

# انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۵۰ از ۳ تا ۱۶ خرداد ۱۳۸۹

## رژیم، رژیم کودتای دائمی است زیرا:

\* تضاد رژیم کودتای دائمی با حیات ایرانیان بمشابه یک ملت:

پیش از این توضیح داده ام که جنبش کاوه در شاهنامه، نمونه نوعی جنبش های پیروز است. عوامل چهارگانه پیروزی آن جنبش، هدف و روش و محل عمل و بدیل را یک به یک، توضیح داده ام. خاطر نشان کرده ام که در حال حاضر، عامل پنجمی نیز نقش پیدا کرده است و آن مردم ایران هستند هرگاه حق حاکمیت خویش را باز یابند و این حاکمیت سازمان بجوید به ترقیبی که دولت حقوق مدار بر آن متکی و ثبات بجوید. در باره عامل پنجم نیز توضیح داده ام. اینک برآنم که آن توضیح را بسط بدهم:

۱ - استدلالی که آن روز و از آن روز تا امروز، گرایشهای را از مقابله با کودتای آقای خمینی و جانشینان او بازداشت و باز می دارد، اینست: وقتی شاه رفت، آقای خمینی و روحانیت بودند و کشور حفظ شد. حال اگر رژیم برود دیگر کسی نمی ماند که کشور را حفظ کند. ایران تجزیه می شود! منطقی صوری مانع از آن می شود که استدلال کنندگان، متوجه شوند استدلالشان واجد دو تصدیق و یک بن بست و یأس نزدیک به مطلق است:

۱،۱ - تصدیق می شود که رژیم تک پایه است.  
۱،۲ - تصدیق می شود که اولاً رژیم بی ثبات است و ثانیاً رژیم، حیات ایران و ملت ایران را به حیات خویش وابسته است. به ترقیبی که سقوط رژیم، مساوی است با پایان حیات ایران.  
۱،۳ - چون جنبش به سقوط رژیم می انجامد، مردم نباید روی به جنبش همگانی بیاورند. و این حکم یعنی ماندن در بن بست و یأس از تحول.

حال اینکه، قدرت برجا می ماند و جریان تمرکز و بزرگ شدن را ادامه می دهد هرگاه مقاومت نبیند. از آنجا که ساز و کار قدرت، تقسیم به دو و حذف یکی از دو است، مقاومت در درون، تا وقتی ترجمان جنبش همگانی برای تغییر نباشد، به حذف مقاومت کنندگان می انجامد. بنا براین هرگاه از بیم اینکه کسی نمی ماند که کشور را حفظ کند، جنبش نکنیم، در برابر دولت بی نیاز به

در صفحه ۲

## زندانی در زندان ناتوانی



علی حیدریان، شیرین علم هولی، مهدی اسلامیان، فرهاد وکیلی و فرزاد کمانگر  
سحرگاه یکشنبه ۱۹ اردیبهشت اعدام شدند

◀ خامنه ای و دستیاران او در زندان خود ساخته ناتوانی، منزوی گشته اند: ص ۴

◀ پیش موجهای موج بزرگ جنبش: ص ۵

◀ سرکشیدن جام زهر، روزی پیش از تسلیم قطعنامه مجازاتها به شورای امنیت: ص ۶

◀ طبیعتی که ویران می شود و ثروت نفتی که برباد می رود و اقتصادی متلاشی که

در بند مجازاتها است: ص ۸

◀ فهرست اسامی اعضای مافیها که از رهگذر استبداد ملاتاریا، از انقلاب بدین سو،

تشکیل شده اند - ۶: ص ۱۰

◀ هامیلتون، تشکیل دهنده کمیته تحقیق در باره «اکتبرسورپرایز» تازه مطلع می شود

که گزارش در باره معامله پنهانی، با سانسور سندها تهیه شده است!؟ ص ۱۱

◀ نه انسان و نه طبیعت از خشونت رژیم مافیهای نظامی - مالی در امان است: ص ۱۳

فرید راستگو

### عوامل بازسازی استبداد بعد از انقلاب ۵۷ چه کسانی بودند؟ (۵)

اوج گیری مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران بعد از کودتای انتخاباتی خرداد ۱۳۸۸ تحت عنوان جنبش سبز و استمرار بازسازی استبداد در ایران بعد از هر جنبش همگانی بر علیه استبداد و دیکتاتوری نگارنده را به این نتیجه رساند که بدون کالبد شکافی چگونگی استقرار و استمرار استبداد و دیکتاتوری، میسر نخواهد بود. دمکراسی را در ایران پایه ریزی کرد. لذا به بررسی عللی پرداختم که هر بار مبارزات مردم بر علیه استبداد را ناکام می گرداند. احیاء ستون پایه های قدرت استبدادی عامل عمده و اصلی شکست این جنبش ها می باشد و بر این باورم که دو پارامتر در این مهم بازی می کنند، یک: نقش مردم و فرهنگ اطاعت پذیری شان که سعی شد در حد مقاله در بخش اول و دوم این مبحث به آن بپردازم و دو: نقش تحصیل کرده ها در احیاء و بازسازی مستمر استبداد در ایران در طی یک قرن گذشته است.

در صفحه ۱۵

محمد جعفری

### ولایت کلیسا و ولایت فقیه = بیان قدرت و دیکتاتوری ولایت مردم = بیان آزادی و اختیار

" کسانی که بدنبال کسب آزادی و استقلال هستند، بایستی به هوش باشند که از طریق قدرت و اعمال زور، هرگز به آن دسترسی پیدا نخواهند کرد. باز کسانی که فکر می کنند وقتی قدرت را بدست گرفتند، عدالت و آزادی را گسترش خواهند داد، سخت در اشتباهند، زیرا در طول تاریخ حتی یک نمونه را نمی شود مثال آورد که کسانی که هدفشان قدرت بوده، وقتی قدرت را قبضه و به تصرف در آورده اند، به بسط و گسترش آزادی و عدالت پرداخته باشند."

در صفحه ۱۴

در صفحه ۴



مردم و مردم نیازمند به اقتصاد دولت، چاره دیگری جز گردن نهادن به استبداد در انحطاط، برجا نمی ماند.

بدیهی است استدلال کنندگان می توانند بگویند راه حل گرباچف، یعنی تغییر از درون، وجود دارد. اما اولاً این راه حل در ایران بکار رفت و نتیجه نداد. (دوران خاتمی) و ثانیاً هرگاه مردم ولایت را حق خود ندانند و برای تصدی آن، به جنبش در نیایند، راه حل گرباچف نیز محکوم به شکست می شود. همانطور که اگر جنبش مردم نبود و کودتا بر ضد گرباچف موقوف می شد، هیچ نه معلوم که امپراطوری روسیه در بند خشونت، چه سرنوشتی پیدا می کرد.

تکرار کنم که ساختمان قدرت دولت، در ایران بر سه پایه داخلی و یک پایه خارجی، استوار می شد: سلطنت و بزرگ مالکی و اقتصاد بازار و روحانیت. پایه خارجی روابط قوا با قدرتهای خارجی بود. از قاجاریه بدین سو، در این روابط، قدرت خارجی، موقع و موضع مسلط را یافته و به ترتیبی که توضیح داده ام، دولت جریان خارجی شدن را تا به امروز ادامه داده است.

از سه پایه داخلی، پایه سلطنت، با کودتای رضا خان، ستون فقرات خود را که ایلیها بودند، با ارتش جانشین کرد. از مشروطیت بدین سو، ایلیها نقش سیاسی خود را بطور روز افزون از دست دادند و می دهند. با نقشی که نفت و اقتصاد مسلط در اقتصاد ایران پیدا کرد، به تدریج، مالکان و بازاریان بزرگ نیز نقش پیشین را از دست می دادند.

رژیم شاه سابق بزرگ مالکی را بر انداخت و اقتصاد مصرف محور شتابان جانشین اقتصاد تولید محور می شد. پدر و پسر با پایه دیگر دولت، یعنی روحانیت نیز در افتادند. چون روحانیت نمی توانست در رابطه با قدرت خارجی، همان نقش را بازی کند که سلطنت بازی می کرد، ناگزیر شد میان تسلیم و مقابله یکی را انتخاب کند. بخشی از روحانیت تسلیم را برگزید و بخش دیگری به مردم روی آورد. انقلاب ایران، پایه سلطنت را از میان برداشت و ارتش بمثابه ستون فقرات آن رژیم، هرگاه می خواست بماند، می باید به یک ارتش ملی، تحت حاکمیت ملت، بدل می شد. بدین سان، از سه پایه داخلی یکی بیش نماند: پایه روحانیت.

۲ - اما قدرتهای خارجی دارای موقع و موضع مسلط در ایران، یعنی دو ابر قدرت آمریکا و روسیه، دوران انبساط خود را به پایان رسانده و وارد دوران انقباض و انحلال شده بودند. هرگاه جز این بود، انقلاب ایران نمی توانست پیروز شود.

۳ - بهنگام پیروزی انقلاب، با وجود توضیح دادن چند و چون ورود دو ابر قدرت به مرحله انقباض و انحطاط، هنوز دانسته نبود که رژیمهای تک پایه نمی توانند برجا بمانند. در ایران، حزب جمهوری اسلامی را بدان قصد تشکیل دادند که رژیم تک حزبی - تا وجود مشاهده سرنوشت حزب رستاخیز و رژیم شاه - برقرار کنند. امروز، از رژیمهای تک پایه، چه آنها که زیر سلطه یکی از دو ابر قدرت بودند و خواه ابر قدرتی که روسیه بود، برجا نمانده اند. از این نوع رژیمها، در جهان، تنها چین و کره شمالی و کوبا و ویتنام و ایران و سوریه، برجا مانده اند. رژیم چین، برای بقای خود، رشد اقتصادی، اقتصاد لیبرال، را روش کرده است. از آنجا که اقتصاد یکی از چهار بعد واقعیت اجتماعی است، تحول اقتصادی تحول سیاسی و اجتماعی و فرهنگی

## رژیم، رژیم کودتای دائمی است زیرا:

یکی از دو، در مرکز قدرت، انجامیده است. هیچ قدرتی نمی تواند خود را از این سازوکار که ذاتی آنست رها کند. رژیم تک پایه را این سازوکار زودتر از یا در می آورد. زیرا چنین رژیمی توانائی جذب استعدادهای جدید را ندارد. سرنوشتی روسیه، بمثابه یک ابر قدرت و رژیم الجزایر، بمثابه یک رژیم تک پایه، عبرت آموز هستند.

۴،۶ - تشدید نیاز رژیم به بکار بردن زور و افزودن بر زوری که بکار می برد، هم بخاطر تشدید تضاد با جامعه ملی است و هم بخاطر سازوکار تقسیم به دو و حذف یکی از دو است.

۴،۷ - نابرابری ها و تبعیض ها، بطور اجتناب ناپذیر، افزایش می یابند. طی ۳۰ سال، مجرمان حاکمند و اعتراض کنندگان به آنها دستگیر و شکنجه و محکوم به اعدام و زندان می شوند. جریان نابرابریهای ساخته ستمگری و تبعیض هائی که بطور روز افزون تحمل ناکردنی تر می شوند، پیوندهای جامعه ملی را می گسندند و حیات جامعه و کشور را بیش به خطر می اندازند.

۴،۸ - واقعیهایی بالا سبب می شوند که تکیه گاه اجتماعی رژیم، روز بروز، کوچک تر و مخالفت با آن همگانی تر می شود. این فراگرد، وضعیت بس خطرناکی را بوجود می آورد: مخالفت روز افزون قشرهای مختلف جامعه، هرگاه از رهگذر، آگاهی جامعه بر حق ولایت و دیگر حقوق خویش، به جنبش همگانی با هدف استقرار ولایت جمهور مردم، نیاچامد، بسا سقوط رژیم را با سقوط کشور، همزمان می کند.

این رو، عامل پنجم نقش تعیین کننده ای در جنبش همگانی پیدا می کند. به این نقش حیاتی در جنبش همگانی دورتر باز می گردیم. ۴،۹ - آنها که مردم را می ترسانند که اگر تکان بخورید، رژیم می رود و دیگر سازمانی نیست که کشور را حفظ کند، از این واقعیت غافلند که عامل مرگ - عوامل بالا و عواملی که در زیر می آیند - ذاتی رژیم هستند. تکرار و تاکید می کنم: رژیم خود اسباب مرگ خویش را فراهم کرده است. هرگاه جامعه فعل پذیر بماند، رژیم برجا نمی ماند و تا سقوط خود، کشور را نیز بکام سقوط می برد.

این توضیح ضرور است: همانطور که بنابر دانش، رژیم استبدادی تک پایه و غاصب حق حاکمیت ملت، کارش تخریب نیروهای محرکه است، هر جامعه ای نیز، بنابر طبیعتش، تولید کننده نیروهای محرکه است. عامل بقای جامعه، نه بود یا نبود یک گروه (روحانیتی که بخشی از آن قدرتمدار بود و بخش بزرگی از آن از رژیم جدا است)، بلکه بکار افتادن این نیروهای محرکه در راست راه رشد بر میزان عدالت اجتماعی است. بنا بر این، ترساندن جامعه و غیر فعال گردنش، تصدی این نیروهای محرکه را به دولت غاصب حق حاکمیت مردم و ویرانگر نیروهای محرکه سپردن، در نتیجه، بکار افتادن این نیروها در تخریب پایه های حیات ملت است.

۴،۱۰ - پس از کودتای خرداد ۶۰، استبدادیان چون ادامه دادن به رشد را با استقرار حاکمیت خود بر مردم، سازگار نمی دیدند، سرکوب بس خونین را با پاسخ دادن به نیازهای جامعه جوانی که انقلاب کرده بود تا به زندگی خود در رشد معنی بدهد، همراه نکردند. بلکه آن را با جنگ همراه کردند. جنگی که

از حق فعالیت سیاسی برخوردار باشند. در حال حاضر، گرایشهای رژیم نیز از این حق محرومند و... بدین قرار، رژیم در جامعه ایرانی نقش متلاشی کننده را بازی می کند. آنها که این واقعیت را نمی بینند و مردم را از آن می ترسانند که اگر برخیزد و این رژیم را با دولت حقوقمدار جانشین کند، ایران متلاشی می شود، در حقیقت، مدار عقل خویش را قدرت گردانده اند و واقعیت را وارونه می بینند. هرگاه بنگرند که چسان رژیم مافیاهای نظامی - مالی هرآنچه را همگانی بوده از میان برده است، یک در می یابند که نقش عامل پنجم، یعنی مردمی در پی بازیافت حق حاکمیت خود و بازساختن همبستگی ملی و همگانی کردن همه حقوق و زدودن تبعیض های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است.

۴،۱۲ - از خاصه های رژیم مافیاهای نظامی - مالی که از راه کودتای دائمی برجاست، اینست که محدود کننده است. فضاهای باز در هر چهار بعد واقعیت اجتماعی، یعنی بعدهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را می بندد. حال آنکه نیروهای محرکه برای این که در رشد بکار افتند، نیاز به فضاهای باز دارند و از راه بکار افتادشان در رشد، فضاها را

بازتر نیز می کنند. از این رو، رژیمی که فضاها را می بندد، ضد حیات است. اما چون فضا را می بندد، نیروهای محرکه محل عملی جز ویرانگری نمی جویند. بدین ترتیب است که رژیم جامعه را به تخریب اساس حیات خویش واهی دارد. افزایش میزان ناسامانی ها و آسیبهای اجتماعی و گسترش انواع فسادها، فرآورده بسن فضاها و دگردیسی نیروی محرکه در زور ویران گر است. رژیمی که حیات خود را از این ویرانگری دارد، به متوقف کردن آن نیز توانا نیست چه رسد به بکار انداختن نیروهای محرکه در رشد.

جز مردم صاحب حق ولایت، نیرویی برجا نیست تا بتواند ایران را به راه زندگی در رشد بازگرداند. در حقیقت، هرگاه جامعه بر آن نشود به یمن جنبش همگانی فضاها را بکشاید، خود را به سرنوشتی سپرده است که زور رقیب می زند: مرگ و...

۴،۱۳ - تخریب نیروهای حیات نیاز به باورهای غیر عقلانی دارد: کاهش فعالیتها عقلانی (= عقل آزاد) و افزایش پندارها و گفتارها و کردارهای غیر عقلانی و نقش روز افزون پندارها و گفتارهای غیر عقلانی در جهت دادن به فعالیتها، نه تنها شدت تضاد رژیم حاکم با جامعه را گزارش می کنند، بلکه کاهش میزان فعالیتها حیاتی جامعه و اعضای آن را نیز گزارش می کنند. می دانیم که یکبارگی معضل بزرگ جامعه امروز ایران است. اما اگر هر ایرانی از خود بپرسد در روز چه اندازه کار مفید انجام می دهد، میزان فعالیت حیاتی خود را به دست بدست می آورد. هرگاه او بیشتر تأمل کند متوجه می شود نیروی را که در کار مفید بکار نبرده، در تخریب بکار برده است. این توجه او را از این واقعیت آگاه می کند که در نظام اجتماعی قدرت محور، بخش بزرگی از تخریب را، استبداد حاکم، به دست خود مردم، مردم گرفتار طرز فکر و طرز رفتار غیر عقلانی، انجام می دهد. از این رو، هر جنبش همگانی، بنفسه، عقلانی شدن جامعه و خسونت زدائی و بازایستادن از خود تخریبی و خوشتن را رها کردن از اندیشه راهنمایی است که فعالیتها غیر عقلانی و ویرانگر را توجیه می کند. و ۴،۱۴ - بهت آور است سقوط ایران را دیدن و مسئول آن را شخص احمدی نژاد خواندن و بقای ایران را در گرو





در فصل چهارم، از زبان داده های اقتصادی، از درماندگی مالی رژیم مافیاهای نظامی - مالی و زبان عظیمی که از لحاظ درآمدهای نفت و گاز به ایران وارد می شود و نیز ویرانی محیط زیست در جهان و بیابان شدن ایران، آگاه می شویم.

در فصل پنجم بخشی دیگر از فهرست اسامی اعضای مافیاهای مالی که در دولت ملاتاریا تشکیل شده اند و امروز دولت و اقتصاد را در تصرف خود دارند.

در فصل ششم، بخشی دیگر از فهرست اسامی مافیاهای حاکم بر ایران را از نظر خوانندگان می گذرانیم. در فصل ششم، تازه ترین تحقیق در باره اکتبر سوربرایز را به اطلاع ایرانیان می رسانیم. در این جا یادآور می شویم که گروگانگیری و معامله پنهانی بر سر گروگانها از عوامل استقرار استبدادی فساد است که کارش خیانت و جنایت و فساد است.

در فصل هفتم، خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را گرد می آوریم:

## خامنه ای و دستیاران او در زندان خود ساخته ناتوانی، منزوی گشته اند:

### \* سپاه و بیت خامنه ای، واواک را طرفداران اصلاح طلبان و حتی از کسانی که قائل به استقلال واواک بوده اند، خالی و آن را بی اثر کرده اند:

برابر اطلاع، واواک برای چندمین بار تصفیه شده است. از آنجا که زمانی طولانی در واواک کار کرده اند، کمتر کسی در واواک مانده است. آنها با خود به سازمانهای دیگری منتقل شده و یا تصفیه شده و یا بازنشسته شده اند. افراد دون پایه را بر کشیده و به آنها عناوین معاون و مدیرکل داده اند. افرادی نیز از سپاه به واواک منتقل کرده اند. نتیجه این که واواک شعبه ای از اطلاعات سپاه و البته ناتوان گشته است.

علت تصفیه گسترده اینست که اولاً در انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸، کثیری از واواکی ها به موسوی رای داده بودند. و ثانیاً، گزارش های واواک به خامنه ای حاکی از این بوده اند که تجدید ریاست جمهوری احمدی نژاد برای نظام خطرناک است. و ثالثاً پس از برخاستن جنبش اعتراضی بار دیگر به خامنه ای گزارش کرده اند: صحت ارزیابی خود را از تجدید ریاست جمهوری احمدی نژاد، دلیل صحت عمل و صداقت خود می کنیم و این ارزیابی را از وضعیت ارائه می کنیم: خشونت جواب نمی دهد. تدبیرهایی جواب می دهند که در عین آرام کردن مردم، دلهاشان را نیز بدست آورد. گزارشها مورد اعتناء قرار نگرفتند و واواکی ها تصفیه شدند.

## زندانی در زندان ناتوانی

و رسیورهای ماهواره و تلویزیون و ... تا ساخت پفک نمکی و چیپس و شیر و ... سینما و مجلس و قوه قضائیه و قوه مجریه، نقش اول را یا پیدا کرده و یا در حال پیدا کردن است.

وسعت بیزاری جامعه از سپاه و نقش سپاه را از سخنان لاریجانی، پاسدار سابق، می توان دریافت: او به قرارگاه خاتم الانبیاء رفته و سخنرانی کرده و گفته است: به امام گفتند سپاه می خواهد کودتا کند. فرمودند: سپاه کودتا کند خوب است. کودتای اولی که سپاه کرد، تحت رهبری خود خمینی در خرداد ۶۰ بود. از آن پس نیز، ایران در رژیم کودتای دائمی می زند.

لاریجانی از سپاه خواسته است فعالیتهای اقتصادی رقابت سوز نباشد و رقابت ساز باشد. از زیادت بی اطلاعی از اقتصاد، نمی داند که سپاه، بمثابة کارفرما، نمی تواند رقابت ساز باشد و همانطور که عمل می کند و همگان می بینند، رقابت سوز است. اما کودتائی که خمینی گفته است اگر سپاه بکند خوب است، رژیم کودتای دائمی است که، در آن، سپاه نقش اول را دارد.

### \* خامنه ای مهار امور را از دست داده است و در از دست دادن مهار امور، بیماری مزمن او نقش کمتری دارد:

باز خبر از بیماری خامنه ای می رسد. بنا بر خبر، او دائم می باید دارو مصرف کند و تحت درمان باشد. اما خبر گویا تر، ناتوانی او از اداره امور کشور است. ناتوانی او عیان است. از جمله به این دلیل که با گذشت ۱۱ ماه از تقلب بزرگ، او نتوانسته است «فتنه» را بخواباند و مشکل را حل کند. وقتی هاشمی رفسنجانی می گوید هنوز پیشنهادهای او در نماز جمعه راه حل مشکل حل نشده هستند و، در دیدار با «گروهی از جوانان اصلاح طلب» (۲۲ اردیبهشت ۸۹)، خطاب به آنها می گوید: «زندانی شدن افراد «دلسوز و منتقد»، منجر به بیداری مردم می شود و «سکوت» جامعه و مردم در خصوص مسائل سیاسی غیرقابل قبول است. افزوده شدن به بازداشتها باعث می شود عده قابل توجهی در هدف «ثابت قدمتر» شوند و شک نباید کرد که این زندان رفتن ها در مجموع سازنده است... جای دلسردی نیست، وقتی کسی وارد فعالیت سیاسی می شود، نباید فکر کند معادلات آن قدر ساده است که با چند راهپیمایی همه چیز حل می شود... یعنی او می داند مهار امور از دست خامنه ای بدر رفته و رژیم او، بازهم ضعیف تر شده است.

بنا بر اطلاع، افرادی که توسط آنها خامنه ای دولت و سپاه و ... را مهار می کرد، اسباب کار را از دست داده اند و جنبش مردم وضعیت جدیدی را در سازمانهای نظامی و اداری بوجود آورده است که مهار به شیوه پیشین مشکل گشته است. در حال حاضر، حالت هرج و مرجی بوجود آمده است و مراکز متعدد

خامنه ای را نیز وسیله کشماکش خود کرده اند. مورد کشماکش مجلس و حکومت احمدی نژاد عیان است.

با توجه به ناتوانی روز افزون خامنه ای و رژیم ولایت مطلقه فقیه، موسوی و کروبی و خاتمی برآند که زمان بسود آنها جریان دارد. موقعیت خویش را در خود رژیم، قوی تر ارزیابی می کنند. کارشناسان اطلاعات و اصول گرایان خردگرا به این نتیجه رسیده و به خامنه ای گزارش کرده بودند که خشونت راه آشتی دولت با ملت را می بندد و دولت دشمن با ملت روزی از پای در می آید. خامنه ای نشنید و مافیاهای نظامی - مالی خشونت بیشتر را تجویز کردند. در ۱۹ اردیبهشت، ۵ تن را اعدام کردند. جنبش اعتراضی در ایران و خارج از ایران، وسیع شد. موسوی و کروبی نیز به این اعدامها اعتراض کردند. موسوی به بیرون کردن خود از کشتی نظام، وقتی نهاد و تغییر قانون اساسی را حق مردم شمرد.

### \* در رژیم، مخالفان کاربرد خشونت، اینطور استدلال می کنند:

تا تقلب بزرگ، شعار مافیاهای نظامی - مالی این بود: می رژیم و می کشیم و آنها را ساکت می کنیم. از آن بعد نیز، خشونت گسترده و سبعانه درکار آوردند و در روزهای اول سال جدید، گفتند: ما کاری کردیم که عمر رژیم را تا ۱۵ سال آینده تضمین کرده است. غافل از این که وقتی خود می گویند تا ۱۵ سال عمر حکومت را تضمین کرده اند، پذیرفته اند که رژیم رفتنی است. در حقیقت، از آنها که می گفتند رژیم ماندنی است، شمار کمی هنوز بر این باورند. اکثریت بزرگ به این نتیجه رسیده اند که رژیم رفتنی است.

● حاصل کار رژیم وضعیت امروز ایران است: بیکاری دارد فراگیر می شود. حدود ۵۰ هزار خانه فساد در تهران داریم و ۱۱ هزار شوهران برای زنانشان مشتری پیدا می کنند و حدود ۸ میلیون معتاد داریم و تا چند سال دیگر حدود ۸ میلیون دختر مسن ازدواج نکرده خواهیم داشت. تا چند سال دیگر حدود ۱۲ میلیون زن مطلقه خواهیم داشت. حدود ۱۰ میلیون نفر زیر خط مطلق فقر هستند و حدود سی میلیون نفر زیر خط نسبی فقر. روزانه سه نفر با رتبه دکتری و بیش از ۵ نفر با رتبه کارشناسی ارشد از کشور خارج می شوند. صندوق بین المللی پول گزارش می کند که سالانه ۱۸۰ هزار استعداد از ایران مهاجرت می کنند و زیان آن برای ایران معادل ۵۵ میلیارد دلار است.

● اگر در دوران خمینی، باورمند به اسلام ولایت فقیه وجود داشت و این باورمنداها حامی رژیم بودند، حالا وجود ندارند. امروز، صحبت از این می کنند که تعلیمات دینی را از مهد کودک شروع کنند. غافل از این که این طرح اجرای یک تجربه

شکست خورده است. زیرا کودکانی که تحت تعلیم دین ولایت مطلقه فقیه قرار می گیرند، وقتی به سن و سال جوانی می رسند همین جوانانی می شوند که امروز، بر ضد ولایت فقیه و دین توجیه گر خشونت شعار می دهند. در حقیقت، همین جوانانی که به خیابانها می آیند و بر ضد ولایت فقیه و خامنه ای شعار می دهند، همان کودکانی بوده اند که تحت تعلیم و تربیت آموزش و پرورش این رژیم بار آمده اند. فرزندان سران و کادراهای رژیم نیز مخالف آن شده اند.

● با وجود اینهمه فقر و در کنارش آنهمه فساد و سرمایه اندوزی مقامات و مسئولان کشور، جوان ایرانی چگونه بتواند چشم بر این واقعیت ببندد؟ این نسل طغیان کرده است و تا وقتی عوامل پدید آورنده طغیان برجها هستند، از خشونت کاری ساخته نمی شود. موج ها بر می خیزند و فرو می خوابند و بزرگ تر بر می خیزند و بر ساحلی که رژیم است ضربه وارد می کنند. ساحل اگر هم سنگ خارا باشد به سایش و فرسایش، از میان می رود.

نظام هنوز به سختی تظاهرات سراسری در تهران برخوردار نکرده است و اگر آن روز برسد همه نیروهای بسیجی و سپاهی و نظامی خود را از سراسر کشور هم که در تهران گرد هم بیاورد نمی تواند مانع از تظاهرات مردم در محل های خود باشد. این وحشتی است که الان برخی از مسئولان آن را به خوبی احساس کرده اند و وای به روزی که این اعتراضات به دلیل فقر و فشار مالی باشد آنوقت ببینم کدام نیروی نظامی حاضر است در سراسر تهران و شهرستانها در برابر مردمی که به دنبال نان به خیابانها آمده اند دست به اسلحه ببرد.

تا سال گذشته هر کس را که می گرفتند و می زدند، می گفتند که آمریکایی است و اسرائیلی و ... اما فردا اگر کاسب محله را گرفتند - زن خانه دار را گرفتند و کارمند فقیر فلان اداره را گرفتند، آن وقت به آنها هم می توانند بگویند اینها آمریکایی و اسرائیلی هستند؟

### افتضاحی که قوه قضایه بار آورده است:

«دادگاه»، حسین شریعتمداری و روزنامه کیهان را از اتهامات وارد به آنها، تبرئه کرد! قوه قضایه و صدا و سیما جمهوری اسلامی، در بی طرفی کامل! تصمیم گرفته اند به متهم حق دفاع از خود را بدهند. چنانکه متهم بتواند با خیال راحت از اتهامات وارده به خود، دفاع کند. اما کسی که این حق را پیدا کرد و برای دفاع از خود به تلویزیون آمد، حسین شریعتمداری یار و همکار صمیمی سعید امامی و سید علی خامنه ای و محمود احمدی نژاد و روح الله حسینیان بود.

حسین آقا، سردار سپاه پاسداران و از اعضای برجسته گروه اداره کننده کودتای انتخاباتی است که از بدو انقلاب در امور بازجویی و تواب سازی و معاونت در پرونده قتل درمانی، یار و همکار جنایتکاران



بوده و سالهاست که به نیابت از سید علی خامنه ای، نشریه کیهان، ارگان تبلیغاتی سازمان ترور را اداره می کند.

او به نازگی از سوی برخی شاکیان از جمله شیرین عبادی و برخی نشریات به دادگاه فراخوانده شد. البته این شکایت ها ماهها قبل از او شده بود. او یکبار به دادگاه فرا خوانده شده بود اما به دلیل اینکه آمادگی برای دفاع از خود را نداشت، از دادگاه وقت گرفت تا خود را آماده سازد.

سرانجام حاج حسین آقا به دادگاه آمد. چه آمدنی! دفاعیات او به صورت کامل از صدا و سیما سراسری پخش شد. در حالیکه نه از شکایات شاکیان و اتهامهای وارده به حسین شریعتمداری، کلمه ای پخش نکرد و مردم از شکایت شاکیان و اتهامات وارده به شریعتمداری هیچ نشنیدند و ندانستند. در برابر، از صدا و سیما خامنه ای، تنها دفاعیات حسین آقا را شنیدند که در واقع اتهاماتی بودند که وی بر شاکیان وارد می کرد.

حسین آقا، در دفاعیات خود، تقلا می کرد و ابستگی شیرین عبادی را به صهیونیسم جهانی و بهائیت به اثبات برساند که ارتکاب جرم در محضر دادگاه بود. در برابر، شاکیان حق مطرح کردن شکایت خود را از طریق صدا و سیما نداشتند.

● نکات مهم دادگاه حسین آقا:  
- صدا و سیما کلیه دفاعیات حسین شریعتمداری را با صدای واضح و بلند پخش کردند.  
- به هنگام اعتراض شاکیان و وکلای آنها، صدای صدا و سیما به قدری کم می شد که برای شنیدن می بایست نزدیک تلویزیون شد.  
- قاضی معروف در کلیه موارد از متهم در برابر شاکیان دفاع می کرد!

- دلایل حسین شریعتمداری تنها با استناد به نوشته های نشریات خارجی بود و بر همین اساس اتهام اسرائیلی بودن و بهایی بودن را به شیرین عبادی وارد می کرد.  
- نمایش دادگاه نشان داد که نظام برای تبرئه خود در برابر فشاری که به شیرین عبادی وارد کرده نیازمند فریب افکار عمومی و به خصوص هواداران خود می باشد.

- از دلایل جاسوس بودن و اسرائیلی بودن شیرین عبادی، تبریک برخی چهره های سیاسی و حقوقی جهانی بود که حسین آقا آنها را اسرائیلی می دانست!

- دلیل بهایی بودن شیرین عبادی، بنا بر استدلال حسین آقا این بود که شیرین عبادی و کالت برخی متهمان بهایی را پذیرفته بوده است.

حسین آقا که سالها در صدا و سیما مسئولیت کنترل و نظارت بر برنامه های این سازمان را برعهده داشت در کنار کار سخت بازجویی و تواب سازی، در کار تهیه برنامه اعترافات یا خود زنی های چهره های فرهنگی و سیاسی و مبارزان داخلی بود که از جمله می توان به برنامه های هویت - پیچک انحراف و... اشاره کرد که از سری برنامه های تهیه شده توسط باند سعید امامی و حسین شریعتمداری بود که در دوران علی لاریجانی در صدا و سیما به نمایش در آمد.

● مقایسه اعدام ۵ تنی که در ۱۹ اردیبهشت اعدام شدند و کسی ندانست به کدام جرم و در کدام

## زندانی در زندان ناتوانی

- ارسال پیام اینترنتی موسوی در مورد روز کار و معلم.  
- پیام کربوبی در مورد روز کارگر و معلم.  
- حرکت اعتراضی کارگران در همایش کارگری در مشهد در برابر وزیر کار و امور اجتماعی.  
- مخالفت و تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران به هنگام حضور احمدی نژاد در آن دانشگاه.  
- اعتراض دانشجویان برخی دانشگاهها در برابر سخنرانان جلسات مختلف.

- اعتراض کارگران در خیابان آزادی مقابل وزارت کار.  
- اعتراض موسوی و کربوبی به اعدام ۴ کرد و یک غیر کرد.  
- نامه کانون مدافعان حقوق بشر به شیخ صادق لاریجانی در اعتراض به اعدام ۵ نفر.

- موضع گیری موسوی در باره قانون اساسی و تصریح او بر این واقعیت که سطح توقعات مردم افزایش یافته است.

- حرکتی اعتراضی در سطح جامعه (اول ماه مه) و دانشگاهها و کارگاههای صنعتی که موجهائی هستند که هیچگاه قطع نمی شوند.

و... همه نشان از پیش موجهائی هستند که موج بزرگ را به دنبال می آورند. ماه خرداد دارد نزدیک می شود و با نزدیک شدن ماه، زمره هایی در باره جنبش بهمناسبت تقاب بزرگ، فراگیری می شوند.

در برخی دانشگاهها گروههایی تشکیل شده اند برای تدارک تظاهرات در روزهای خرداد ماه. نشریه جوان، متعلق به سپاه نیز از حرکت های جدید و برخی ملاقات های میان سران قشرهای مختلف خبر داده است.

با نزدیک تر شدن به ماه خرداد به اصطلاح تنور جنبش بار دیگر گرم خواهد شد و حاکمیت برای مقابله با آن در حال آماده سازی نیروهای خودی است تا در مواقع ضرور به برخورد با آن بپردازد.

● تغییراتی که در مواضع سران اصلاح طلب در طول ماههای اخیر به وجود آمده است، نشان میدهد که آنها نیز متوجه شده اند که اگر همچون گذشته بخواهند عمل نمایند باید منتظر شرایط سخت تر

هم برای خود و هم برای جنبش باشند. سخنان اخیر آنها معلوم می کند متوجه تحول طرز فکر و رفتار جامعه شده اند و به همین دلیل به تدریج در حال دور شدن از مواضع گذشته خود هستند. برای مثال

- کربوبی در دیدار بعد از عید خود گفته است: اگر کشتی نظام سرنشینانی از جمله حسین طائب و ... دارد ما از این کشتی پیاده شده ایم. نقل به مضمون.

- موسوی در دیدار با اینترگران گفت: اگر از کشتی نظام پیاده شده ایم از کشتی مسلمانی که پیاده نشده ایم.

● دو جمله فوق از سوی این دو حاکی از آنند که دیگر مانند گذشته خود را در نظام نمی بینند. علاوه بر این، گویای اینست که آنها دیگر اعتقادی به رهبری سید علی خامنه ای ندارند. زیرا خامنه ای گفت آنها خود را از کشتی نظام بیرون قرار داده اند.

در واقع، دیگر هیچ محلی برای ادامه حاکمیت سید علی بر کشور نمانده است. هر زمان که تجمعی صورت می گیرد، مردم فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای و درود بر ضد ولایت فقیه را سر می دهند. رفتار مردم نزدیک شدن به سید علی خامنه ای بسیار مشکل کرده است. سران اصلاح طلب می دانند که برداشتن یک قدم بطرف خامنه ای سبب چند قدم دور شدن مردم از آنها می شود.

از قرار، سران اصلاح طلب متوجه شده اند که با وجود حکومت سید علی خامنه ای، در رژیمی که، در آن، حاکمیت مطلق در اختیار وی است، اصلاح میسر نیست:

- دیدار نمایندگان آدوار مجلس با کربوبی و نیز هیات اینترگران و رزمندگان با موسوی، بیانگر ضعف شدن خامنه ای و حاکمیت است. زیرا موضعگیری این دو قشر، حاکی از آنست که رژیم آفندر ضعیف شده است که توان برخورد را در خود نمی بیند.

با توجه به این دو دیدار - که البته قبل از آن، دو دیدار دیگر از سوی اعضای سازمان مجاهدین و جوانان آن سازمان با موسوی و کربوبی انجام گرفته بود -، در آینده نزدیک باید منتظر ملاقات های دیگری با گروهها و اقشار مختلف باشیم. دیدار رهبران و اعضای سازمان مجاهدین با کربوبی و موسوی بیانگر قصد این سازمان در ماندن در کنار موسوی و کربوبی است.

دیدار موسوی با نیروهای ملی - مذهبی و سخنان وی در این دیدار، نیز حاکی از آنست که موسوی نسبت به گذشته بی محابا تر عمل می کند و نسبت به کلیه اقشار و گروههای سیاسی تغییر رویه داده است. هر چند وی در گذشته روابطی با این نیروها داشته، اما رفتار او در این موقعبت، گویائی دیگری دارد. و اما برخی از مشکلات که رژیم با آنها روبرو است و ضعف های حاکمیت:

### \* انزوای خامنه ای تشدید می شود و مهار بر قوای تحت امر خویش را از دست می دهد:

● بیت رهبری و سید علی خامنه ای به شدت بی اعتبار شده و منزلت گذشته خود را از دست داده اند: فردی از درون بیت خبر می داد که ترس فضای بیت را فرا گرفته و آنها در وحشت از آینده نامیمون خود هستند و اکثر نیروهای محافظ و گارد حفاظت و برخی نیروهای اداری را تغییر داده اند که این تغییرات نشان دهنده عدم اعتماد آنها به دیگران است. گفته می شود که با نزدیک شدن به ماه خرداد، سید علی خامنه ای مانند روزهای پر تنش سال گذشته دستور خروج افراد خانواده از بیت را داده است.

● مراجع تقلید فاصله خود را با سید علی و رژیم، بیشتر کرده اند. به جز دو نیم مرجع وابسته یعنی مکارم شیرازی و آیت الله تازه به دوران رسیده، سبحانی، و مرجع بی مقلد

یعنی نوری همدانی، مابقی مراجع، یعنی آیات الله سیستانی و وحید خراسانی و صافی گلپایگانی و شبیری زنجانی و صافی موسوی اردبیلی دیگر برای رهبری سید علی خامنه ای ارزشی قائل نیستند. کار به جایی رسیده که صافی گلپایگانی دیدار با احمدی نژاد را حرام اعلام کرده و وحیدی خراسانی و شبیری زنجانی از دیدار با او امتناع کرده اند و مکارم شیرازی نیز وقتی از نپذیرفتن احمدی نژاد توسط دیگر مراجع آگاه شده گفته است: در طول مدت حضور احمدی نژاد انتقاداتی را متوجه وی ساخته و به همین دلیل او را پذیرفته است.

● نیروهای نظامی سپاه و بسیج و نیروی انتظامی در شرایط فعلی تنها امیدوارند که سال جاری را با آرامش سپری سازند. ریزش نیروهای وابسته به این سازمانها و رفتار مردم سبب شده اند که سران این سازمانها روزگار خوشی را برای خود پیش بینی نمی کنند. دیدار برخی از رزمندگان و اینترگران با میر حسین موسوی در حالی صورت گرفته است که وحشت در میان دیگر سرداران سپاهی که دستشان به خون مردم آلوده شده فراگیر شده است. سردار جزایری ریزش این نیرو را تکذیب می کند. حال آنکه اطلاعات اصل حاکی از آنند که افراد سالم از این سازمانها خارج می شوند. از سوی حفاظت و اطلاعات سپاه از بسیاری از نیروهای با سابقه این سپاه، خواسته شده است تقاضای بازنشستگی کنند. مابقی نیروهای موجود به شدت تحت کنترل نیروی نظارت این سازمان هستند و کلیه رفت و آمدها و دیدارهای آنها تحت مراقبت است.

● در بسیج وضع از این هم بدتر است. کار به جایی رسیده است که اکثر نیروهای این سازمان نیز سید علی را به حال خود رها کرده اند. در یک خالی بندی بزرگ، فرمانده این نیرو اعلام کرد که قرار است که پایگاههای این نیرو را در تهران دوبرابر کند در حالیکه برای پایگاههای موجود نیز نیرو به اندازه کافی وجود ندارد.

● حمله به روحانیون بزرگ از سوی برخی نیروهای به اصطلاح خود سر اما عضو سپاه پاسداران، به دستور بیت رهبری انجام می گیرند و این حمله ها مخالفت دیگر روحانیون را برانگیخته است: حمله به بیت صائنی تا جایی ادامه یافت که از سوی آیت الله سیستانی، سید علی تحت فشار قرار گرفت و عقب نشینی کرد. حمله به بیت آیت الله دستغیب در حالی صورت گرفت که مردم شیراز به حمایت از وی برخاسته اند و هر روز بیشتر از روز پیش این حمایت را ابراز می کنند. حمله به دیگر روحانیون بلند پایه ای که نزدیکی هایی با خمینی می داشتند، نیز از اعتبار رژیم و سید علی خامنه ای به شدت کاسته است. بنا بر اطلاع، روحانیون در صدد انتشار اطلاعیه ای در اعتراض به این حمله ها هستند.

● حملات شدید به هاشمی و خانواده وی و به خاتمی، همراه با هتک حرمت از مقبره پدر وی و به کربوبی و روحانیون نزدیک به وی و حمله به برخی روحانیون عضو مجلس مافیایها و حامی هاشمی و





رژیم مثل هر بحران دیگری بحران اتمی را تا شکست ادامه داده است. اظهارات سخنگو جز بکار صورت را با سلیبی سرخ کردن و پوشاندن فرصت و امتیاز سوزی ها از مردم ندارد.

## واکنشها نسبت به توافقنامه تهران:

◀ به گزارش لوموند (۱۷ مه)، یک مقام ارشد اسرائیلی که نخواستند نامش برده شود، به خبرگزاری فرانسه گفته است: توافقنامه تهران را مانور ایران توصیف کرده و افزوده است: «ایران برزیل و ترکیه را فریفته است».

برزیل انتقادهای اسرائیل را رد کرده و یادآور شده است که این برای نخستین بار است که تهران می پذیرد اورانیوم غنی شده خود را به خارج از کشور برای مبادله با اورانیوم ۲۰ درصد، بفرستد.

◀ سخنگوی خانم کاترین آشتون، رئیس دیپلماسی اروپا، گفته است: «این توافق همه نگرانی های جامعه بین المللی را برطرف نمی کند». او در صداقت رژیم ایران در این باره که در صدد تولید سلاح اتمی نیست، اظهار تردید کرد. و رژیم ایران را تهدید کرد که در صورت ادامه دادن به غنی سازی، مجازاتهای جدید بر ضد او وضع خواهند شد.

◀ آلستر برت، Alistair Burt، وزیر خارجه حکومت محافظه کار انگلستان بیانیه ای صادر کرد و در آن، تأکید کرد که همچنان ایران را می باید مجازات کرد تا زمانی که ایران ثابت کند فعالیتهای اتمیش صلح آمیز هستند. ایران می باید جامعه بین المللی را از صلح آمیز بودن مقاصد خود مطمئن کند.

◀ برنار کوشنر، وزیر خارجه فرانسه گفته است: این برعهده آژانس بین المللی انرژی اتمی است که در باره توافقنامه تهران، نظر بدهد. و او افزود: در کار تهیه قطعنامه شامل مجازاتهای جدید بر ضد ایران، پیش رفت شده است.

◀ حکومت آلمان نیز گفته است: توافق تهران نمی تواند جانشین توافق تهران با آژانس بگردد.

◀ در ۲۷ مه ۲۰۱۰، به گزارش آسوشیتد پرس، روبرت گیبز، سخنگوی کاخ سفید گفته است: توافق تهران گام مثبتی است که برداشته شده است اما شکهای جدید در باره مقاصد ایران بوجا هستند. نگرانی های جامعه بین المللی باقی هستند. توافق حاصل شده خط مشی آمریکا در برابر ایران از جمله تلاش برای تحریم این کشور را تغییر نداده است. در عین حال آمریکا به گفتگو نیز ادامه می دهد. اگر ایران می خواهد نشان بدهد که حسن نیت دارد باید بر آن شود که با کشورهای ۵+۱ وارد گفتگو شود. آمریکا هشدار می دهد که توافق تهران به ایران اجازه می دهد به غنی سازی اورانیوم ادامه دهد و بمب اتمی تولید کند. و با توجه به نقض مکرر ایران از تعهداتش و نیاز به پرداختن به مسائل اساسی و پایه ای در برنامه اتمی ایران، آمریکا و جامعه جهانی هنوز نگرانی های خود را دارند.

◀ پیش از سفر لولا به تهران، مدودو، رئیس جمهوری روسیه، برای

## زندانی در زندان ناتوانی

\* نوول ايسرواتور: از چه رو توافق میان ترکیه و برزیل با ایران را امریکا و روسیه، پیشاپیش، آخرین شانس خوانده بودند؟

● ژره: این توافق آخرین مرحله پیش از وضع مجازاتهای جدید از سوی شورای امنیت، بر ضد ایران بود. ایرانیها موفق شدند توافق را با دو کشور برزیل و ترکیه امضاء کنند و بدان که روند وضع مجازاتها را متوقف می کند.

\* نوول ايسرواتور: آیا چین نقش ویژه ای در امضای توافق با برزیل و ترکیه بازی کرده است؟

● ژره: چین آشکارا ایران را به سمت امضای توافق رانده است. چین طرفدار جدی تفاهم بر سر مسئله اتمی ایران است و موضع چین اینست که امکان و محل توافق وجود دارد. چین نقش عضو اکیپ را بازی کرده است.

\* نوول ايسرواتور: اسرائیل تهران را متهم به فریفتاری می کند. چرا که تظاهر به فرستادن اورانیوم خود به ترکیه می کند. آیا اتهای که اسرائیل وارد می کند، پایه و اساسی دارد؟

● ژره: اسرائیلی ها به ایران اعتماد ندارند. موضع اسرائیل اینست که به ایران بگویند: به قول شما باور ندارم. شما می خواهید وضع مجازاتها بر ضد ایران را به تأخیر اندازید. در حال حاضر، ایران تهدید می کند که غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد را ادامه می دهد اما هنوز آن را شروع نکرده است. ترس اسرائیل اینست که ایران اورانیوم را بیشتر از ۲۰ درصد غنی سازی اورانیوم چشم ببوشند، مانع از رسیدن به نقطه پرخاطر می شوند.

انقلاب اسلامی: و اینک به سراغ گزارشهایی برویم که می گویند چسان برزیل و ترکیه رژیم را به امضای توافقنامه راضی کرده اند:

از زمانی که قرار بود ۱۲۰۰ کیلو اورانیوم را با اورانیوم ۲۰ درصد معاوضه کند، بدین سو، ایران به غنی کردن اورانیوم ادامه داده است و امروز، مقدار زیادتری اورانیوم ۳/۵ درصد دارد. توافق نامه تضمین نمی کند هر زمان ایران مقدار اورانیوم غنی شده خود را به ۱۲۰۰ کیلو رساند آن را به ترکیه بفرستد. و نیز، ایران تعهد نمی کند غنی سازی اورانیوم را متوقف کند. ۶ ماه دیگر، غرب با وضعیتی روبرو خواهد شد که امروز روبرو است. یعنی ایران حدود ۱ تن اورانیوم ۳/۵ درصد خواهد داشت.

## آیا توافقنامه تهران، گویای کور بودن دیپلماسی غرب بود؟!

## ترکیه و برزیل در کار نجات دیپلماسی ایران:

◀ در ۱۴ مه ۲۰۱۰، مجله امریکائی نیشن، گزارشی در باره فعالیتهای ترکیه و برزیل، برای حل مشکل اتمی ایران، انتشار داد. نکات عمده این گزارش عبارتند از:

● چند کشور، از جمله برزیل و ترکیه سعی می کنند توافقی را ترتیب بدهند که گفتگوهای بارور را جانشین وضع مجازاتها نماید. در تعطیلات پایان هفته، لولا، رئیس جمهوری برزیل برای دیدار و گفتگو با احمدی نژاد و دیگر رهبران ایران، به ایران می رود. هم زمان اردوغان، نخست وزیر ترکیه نیز به تهران می رود. در گذشته،

ترکیه پیشنهاد می کرد توافق ماه اکتبر ۲۰۰۹ کشورهای ۵+۱ با ایران را در باره مبادله اورانیوم ۳/۵ درصد با اورانیوم ۲۰ درجه را، به عمل نزدیک کند. ترکیه پیشنهاد کرد ایران اورانیوم خود را به ترکیه بفرستد و ترکیه واسطه مبادله بگردد. توافق ایران با کشورهای ۵+۱ قربانی وضعیت داخلی ایران، بعد از انتخابات ژوئن ۲۰۰۹ شد: دولت ایران که با پیشنهاد مبادله موافقت کرده بود، موافقت خود را پس گرفت.

● بنا بر گزارش رویتر، امریکا تردید دارد که ابتکار برزیل به نتیجه بیانجامد. یک مقام حکومت اوپاما گفته است: من فکر می کنم ما شاهد آن خواهیم شد که بسا دیدار لولا از ایران، واپسین گلوله ایست که به ابتکار او خواهد خورد. در همان زمان هیلاری کلینتون، وزیر خارجه امریکا، تلفنی، به احمد داود اوفلو، وزیر خارجه ترکیه گفت: ایران هیچ علامتی که نشان بدهد، برابر قطعنامه های شورای امنیت، غنی سازی اورانیوم را متوقف می کند، نشان نداده است.

و آسوشیتدپرس گزارش گویاتری را انتشار داد: واشنگتن سعی می کند مانع از موفقیت ابتکار ترکیه و برزیل شود: حکومت اوپاما از حکومت ترکیه خواسته است در کوشش برزیل که سبب می شود ایران بخاطر فعالیتهای اتمی مشکوک مجازات نشود، شرکت نکند. هیلاری کلینتون به وزیر خارجه ترکیه گفته است: ایران در قبول تقاضای جامعه بین المللی جدی نیست. این جامعه از ایران می خواهد ثابت کند که فعالیتهای اتمیش صلح آمیز هستند. ایران می باید مجازاتهای جدید ببیند تا که دست از فعالیتهای اتمی مشکوک بردارد.

احتمالاً کلینتون پیام مشابهی به وزیر خارجه برزیل داده است. او قرار است در تعطیلات آخر هفته، همراه لولا، به ایران برود. مقامات امریکائی فکر می کنند ایران از سفر مقامات برزیل و ترکیه به ایران، در جلوگیری از به نتیجه رسیدن کوشش امریکا برای به تصویب رساندن قطعنامه مجازاتها، استفاده خواهد کرد.

● گفتگوهای دیروز اوپاما با پرزیدنت مدودو و دیگر سران کشورهای عضو دائمی شورای امنیت و آلمان، در باره ضرورت و فوریت وضع مجازاتها بر ضد ایران، این هدف را تعقیب می کرد که مانع به نتیجه رسیدن روند دیپلماتیک بگردد.

● شکفت آور این که رئیس نیو امریکن فوندیشن، از پا در میانی لولا، بر آشفته شده و در باره دیدار لولا از ایران، نوشته است:

«سفر پرزیدنت لولا به ایران و هیجانی که بخروج می دهد خود را واسطه کشورهای ۵+۱ و ایران کند، خطرهای جدی برای موفقیت او و خواستههای برزیل برای پذیرفته شدن در بنیادهای بین المللی بزرگ دارد.»

نتیجه کوششهای لولا ولو از روی حسن نیت، در باره یکی از تشنمد ترین بحرانهای بین المللی ایران،

اینست که ایران فکر کند حامی دارد و دربی بر روی او. برای رها شدن از مجازاتها برویش باز است که امریکا در اجتماع سران در واشنگتن، اروپا و روسیه و چین و ژاپن را با آن موافق گرداند.

● گشودن دربی به روی ایران، اختلال جدی در کار سیاستگذاران امریکا ایجاد می کند که هم اکنون، با مسائل کافی، در رابطه با دولت ایران، روبرو است.

● روبرت دریفوس، نویسنده مقاله در نیشن، خاطر نشان می کند که سیاست بایسته اینست که حکومت اوپاما لولا را تشویق کند که اقدام خویش را به نتیجه برساند.

◀ در ۱۴ مه ۲۰۱۰، لوموند نیز به بررسی سفر لولا به ایران پرداخته و آن را «سفر گرفتار خطر شکست» توصیف کرده است.

● بر زیل، غولی که در حال شدن است، می خواهد عضو دائمی شورای امنیت بگردد و در صحنه بین المللی صاحب نقش شود. از این رو است که قدم در خاورمیانه، منطقه ناآشنا می گذارد. این منطقه برای برزیل منافع اقتصادی نیز دارد.

انقلاب اسلامی: کنفرانس ۱۵ کشور که در تهران تشکیل شد، در واقع ابتکار برزیل و ترکیه بود بقصد رقابت با چین و تصرف بخشی از بازاری است که به روی چین باز است. وقتی لولا عازم تهران شد، اردوغان از رفتن امتناع کرد. علت نرفتن امتناع حکومت ایران از قبول راه حل برای مسئله اتمی بود. او گفت: هرگاه ایران بجد خواستار حل مشکل باشد، به تهران خواهد رفت و رفت.

● اما سفر لولا به تهران عمده بعد سیاسی دارد. او بخاطر مسئله اتمی به تهران می رود. او با برخورداری از اعتبار و منزلتی تمام در نظر مهمانداران خود، وارد تهران خواهد شد. چرا که با وضع مجازاتها بر ضد ایران که کشورهای غرب و روسیه در حال تهیه آنند، مخالف است. او جانبدار حق ایران بر توسعه فن آوری اتمی است. او می خواهد گفتگو بر محور پیشنهاد آژانس بین المللی انرژی اتمی در اکتبر گذشته (مبادله اورانیوم ۳/۵ درصد با اورانیوم ۲۰ درصد) از سر گرفته شود. بنا بر نظر غرب، ایران بود که آن پیشنهاد را دفن کرد وقتی در ماه فوریه، احمدی نژاد گفت: ایران خود اورانیوم را تا ۲۰ درصد غنی می کند. اما برزیل براینست که پیشنهاد هنوز به قوت خود باقی است.

● لولا ادعا نمی کند که برای بیرون رفت از بن بست، راهی اندیشیده است او تنها می خواهد به «از سرگرفته شدن گفتگو» کمک کند. او از تهران انتظار «یک ژست» را دارد حاکی از این که مایل به گفتگو است. سلسو آموریوم، وزیر خارجه برزیل توضیح می دهد که ما بر آن نیستیم که در باب مقاصد غائی ایران، داوری کنیم.

و مشکل درست در همین جا است: ریشه اختلاف غرب با برزیل در اینست که غرب می گوید تمام توجه را می باید معطوف «مقاصد غائی» رژیم ایران کرد. اروپا و امریکا به رهبران برزیل خاطر نشان می کنند که جمهوری اسلامی، در باره پرونده اتمی خود، طی سالها، فراوان دروغ گفته است. دغدغه خاطر اصلیش بدست آوردن زمان







## زندانی در زندان ناتوانی

### ● عدم توازن در عرضه و تقاضا:

ایلنا افزوده است: جلسه‌ای غیر علنی با حضور نمایندگان مجلس و وزیر نفت برای بررسی چالش‌ها و بحران‌های فعلی صنعت نفت برگزار شد و کمیسیون انرژی مجلس گزارشی تفصیلی در مورد وضعیت فعلی این صنعت ارائه کرد. بررسی‌های ما نشان می‌دهد مهمترین چالش ما در حوزه صنعت نفت و گاز سرمایه‌گذاری است و متأسفانه نبود سرمایه سبب شده است نتوانیم به اهداف توسعه‌ای خود دست یابیم.

او با اشاره به این که به دلیل تحریم‌های بین‌المللی تامین منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز کشور امری نشدنی است، گفته است: ما دیگر به فابنانس داخلی دل خوش کرده‌ایم و فکر می‌کنیم برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز نمی‌توانیم منتظر خارجی‌ها بمانیم چرا که نه می‌توان به شرکت‌هایشان امیدوار بود و نه حاضرند اعتبار و پولی به ما بدهند. ما در حال حاضر در برداشت گاز از حوزه مشترک پارس جنوبی از قطر عقب مانده‌ایم و زنگ خطر در مورد عقب ماندن از عراق برای برداشت از حوزه‌های مشترک نفتی با این کشور به صدا در آمده است.

در برخی کشورها از جمله عراق ۷ شرکت قدرتمند نفتی دنیا در جهت توسعه میادین مشترک با ایران فعالیت دارند و در نظر دارند تولید روزانه این کشور را به ۱۲ میلیون بشکه در روز برسانند.

حسینی با بیان اینکه کشورهای همسایه برداشت از منابع مشترک گازی و نفتی را با پمپاژ بالایی انجام می‌دهند ادامه داده است: این منابع در اعماق سه یا چهار هزار متری زمین است و هیچ تعریف حقوقی مشخصی مبنی بر اینکه مخازن مربوط به کدام کشور است، وجود ندارد. هر کشوری که توان تولید بیشتر و تکنولوژی پیشرفته‌تری در زمینه برداشت از مخازن داشته باشد، قادر به بهره‌برداری بیشتری نیز خواهد بود. فرصت چندانی برای برداشت از مخازن مشترک نداریم چرا که برداشت از این مخازن سال‌هاست که توسط کشورهای همسایه شروع شده است و در حال حاضر نیز ده سال از این کشورها عقب هستیم.

### \* رتبه‌کسب و کار ایران ۱۴۳ از میان ۱۸۰ کشور است

در ۲۲ اردیبهشت ۸۹، به گزارش ایلنا، ایران از لحاظ رتبه کسب و کار رتبه ۱۴۳ از ۱۸۰ است. در این باره، مسعود کاراندیش، کارآفرین بخش کشاورزی در گفت‌وگو با ایلنا گفته است: در کشور ما حمایت دولت از کارآفرینان کم است که باید مورد تجدید نظر مسوولان قرار گیرد. او با انتقاد از قوانین دست و پاگیر در کشور برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینان، تصریح کرده است: کارآفرینان بخش کشاورزی با مشکلات بیشتری نسبت به کارآفرینان بخش صنعت مواجه هستند. این کار آفرین با اشاره به بیکاری ۸۰ هزار فارغ التحصیل بخش کشاورزی در کشور گفته است: دولت می‌تواند با ترویج فرهنگ کار در میان مسوولان میانی دولت موجبات اشتغالزایی

از نظر منتقدان افزایش بهای نفت، مازاد تولید ایران که فراتر از میزان تقاضا می‌رود، حاکی از اشباع نفت در بازار جهانی است. سازمان اوپک در آوریل سال جاری بیش از ۲۰/۰۳ میلیون بشکه نفت در روز استخراج کرده است. این میزان ۴۰ هزار بشکه بیش از ماه پیش از آن است. ایران ۷۰ هزار بشکه بر تولید خود افزوده و به سطح ۳/۷۵ میلیون بشکه در روز رسانده است.

از سوی دیگر سطح تقاضا در کشورهای صنعتی پایین آمده است. در ایالات متحده آمریکا در روزهای کاری هفته، روزانه ۱/۱۵ میلیون بشکه بنزین، کروزین و دیگر محصولات پالایشی مصرف می‌شده است. به گزارش "بارکلیز کاپیتال" در ماه آوریل سال جاری این میزان مصرف به پایین‌ترین حد خود از سال ۲۰۰۳ بدین سو رسیده است.

بر اساس آخرین آمارهای وزارت انرژی آمریکا، در این کشور حدود ۹/۱ درصد بر میزان ذخیره خصوصی بنزین افزوده شده و به ۳۶۲/۵ میلیون بشکه رسیده است. این وزارتخانه در روز چهارشنبه اعلام کرد که این رقم به بالاترین حد متوسط خود در این فصل رسیده است.

### \* قیمت نفت ایران به پایین تر از ۶۵ دلار قیمت تعیین شده در بودجه سال ۸۹ رسید:

به گزارش خبرنگار خبر آنلاین در حال حاضر قیمت جهانی نفت به زیر ۷۲ دلار کاهش یافته است. در شرایط فعلی، قیمت هر بشکه نفت اوپک ۵ تا ۷ دلار کمتر از قیمت نفت WTI است. بنا بر این، هر بشکه نفت اوپک بین ۶۵ تا ۶۷ دلار بفروش می‌رسد.

و اما قیمت نفت ایران نیز بین ۲ تا ۳ دلار کمتر از قیمت نفت اوپک است. یعنی هر بشکه نفت ایران بین ۶۲ تا ۶۴ دلار بفروش می‌رسد.

و اسامال، براساس پیشنهاد حکومت به مجلس که پس از کش و قوس‌های فراوان بالاخره به تصویب مجلس رسید، قیمت هر بشکه نفت در بودجه ۶۵ دلار تعیین شد.

وزیر نفت نیز در دفاع از قیمت پیشنهادی حکومت، در جمع نمایندگان، به تأکید گفت: قیمت نفت از ۷۵ دلار پایین تر نخواهد آمد و با پافشاری بر این پیش بینی نمایندگان را مجاب کرد.

### \* ایران در بهره‌برداری از حوزه‌های نفت و گاز مشترک، از همسایه‌ها عقب مانده است:

در ۲۱ اردیبهشت ۸۹، ایلنا گزارش کرده است: زنگ خطر عقب ماندن ایران در برداشت از حوزه‌های مشترک نفت و گاز خود با کشورهای همسایه به صدا در آمده است: سید عماد حسینی گفت، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس ضمن اعلام مطلب فوق در گفت‌وگو با خبرنگاری

کارآفرینان را فراهم آورد. خیلی از کشورهایی که امکانات کمتر از کشور ما داشته‌اند توانسته‌اند در زمینه اشتغالزایی بهتر از ما عمل کنند که لازمه تحقق این امر در کشور توجه به بخش خصوصی است.

### \* نرخ دولتی بیکاری در سال گذشته، ۱/۵ درصد افزایش یافته و ۱۱/۹ درصد شده است:

به گزارش ایسنا، معاون سرمایه انسانی و توسعه اشتغال وزیر کار و امور اجتماعی در گفت‌وگو با ایسنا، گفته است: بر اساس نتایج اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری سال گذشته (۱۳۸۸) برای کل کشور ۱۱/۹ درصد بود.

پیش از این نرخ بیکاری بهار سال گذشته ۱۱/۱ درصد و تابستان و پاییز گذشته ۱۱/۳ درصد اعلام شده بود. بر این اساس نرخ بیکاری زمستان سال گذشته ۱۳/۹ درصد بوده است که نسبت به فصل قبل از آن ۲/۶ درصد افزایش نشان می‌دهد.

### ● تاثیر متقابل افزایش نرخ ارز و تورم ایجاد آشفته‌گی در اقتصاد با تغییر ناگهانی نرخ ارز:

ایران اکنون می‌تواند توضیح داده است: بدیهی است در شرایطی که با افزایش نرخ ارز، صادرات افزایش نیابد و تولید ناخالص داخلی نیز کاهش یابد، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و ارتقاء سطح اشتغال امکان پذیر نخواهد بود.

عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی در پژوهشی آورده است: تغییرات ناگهانی نرخ ارز، بدون اینکه مزیت‌های مورد انتظار از این کار را در نظام اقتصاد ایران تولید کند، آشفته‌گی بیشتری را در این نظام موجب خواهد شد. تعیین نرخ ارز یا ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی همواره یکی از دغدغه‌های فعالان و تصمیم‌گیران اقتصادی بوده است و هر چند صباحی با اظهار نظری از طرف کارشناسان یا افراد ذنبفع، این مساله به موضوع روز رسانه‌ها در حوزه اقتصاد تبدیل می‌شود و اغلب در انتها بدون نتیجه مشخصی رها می‌شود. در واقع پیچیدگی مؤلفه تعیین ارزش پول ملی در کنار مشکلات عمیق و ساختاری اقتصاد ایران که در برابر این مؤلفه، صاحب اولویت هستند موجب می‌شود که به سختی بتوان از تغییر نرخ ارز به عنوان راه‌حلی حتی مقطعی برای غلبه بر مشکلات یاد کرد.

بر این اساس محسن خلیلی، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن پژوهش‌جامعی را در پژوهشکده صنعتگر ترتیب داده است که نشان می‌دهد تغییرات ناگهانی نرخ ارز، بدون اینکه مزیت‌های مورد انتظار از این کار را در نظام اقتصاد ایران تولید کند، آشفته‌گی بیشتری را در این نظام موجب خواهد شد.

قطع یا کاهش معاملات خود با ایران کرده اند. بنا به گزارش رویتر شرکت‌هایی که فعالیت خود در ایران را متوقف کرده اند عبارتند از:

۱- شرکت نفت و گاز ائی در ایتالیا از همکاری در طرح توسعه میدان نفتی دارخوین کناره گیری کرد. شرکت ائی برای آن که از تحریم‌های امریکا علیه خود مصون بماند در بیست و نهم آوریل به مقامات امریکایی اعلام کرد از ادامه همکاری خود با ایران دست کشیده است. شرکت ایتالیایی ائی از سال هزار و نهصد و پنجاه و هفت در ایران حضور دارد.

۲- شرکت توتال فرانسه نیز اعلام کرده است اگر امریکا قانونی در زمینه اعمال تنبیه و مجازات علیه شرکت‌های تامین کننده بنزین ایران تصویب کند فروش بنزین به ایران را متوقف خواهد کرد. این مطلب را رئیس اجرایی شرکت توتال در بیست و ششم آوریل اعلام کرده بود.

۳- شرکت لوک اویل روسیه نیز فروش بنزین به ایران را متوقف خواهد کرد. این مطلب را منابع صنعت نفت روسیه در روز هفتم آوریل اعلام کردند.

۴- شرکت روبال داچ شل نیز در ماه مارس تصمیم مشابهی اتخاذ کرده بود. شرکت لوک اویل روسیه هر ماه بین دو بیست و پنجاه تا یانصد هزار بشکه بنزین به ایران صادر می‌کرد.

۵- شرکت پتروناس مالزی نیز فروش بنزین به ایران را متوقف کرده است. یک سخنگوی این شرکت در روز یازدهم آوریل این مطلب را اعلام کرد شرکت پتروناس آخرین بار در چهارم یا پنجم مارس یک محموله بنزین به بندر عباس ارسال کرده بود.

۶- شرکت خودرو سازی دایملر آلمان نیز در چهاردهم آوریل اعلام کرد در نظر دارد سی درصد سهام خود را در یک کارخانه خودرو سازی در ایران به فروش برساند و صدور خودروهای سواری و کامیون به ایران را متوقف کند.

۷- دو شرکت بیمه گذار آلمانی به نام های مونیخ ری و آلیانس نیز همکاری های خود را با ایران متوقف کرده اند. ۸- شرکت بزرگ یالایسگاه هند یعنی شرکت ریالینس اینداستریز قرارداد خرید نفت خام از ایران را برای سال مالی دو هزار و ده میلادی تمدید نخواهد کرد.

۹- شرکت نفتی ترفایگورا و شرکت نفتی ویبتول نیز فروش بنزین به ایران را متوقف می‌کنند.

۱۰- شرکت اینگرسول راند که یک شرکت سازنده کمپرسورهای هوا و سامانه های سرد کننده در بخش ساختمان و حمل و نقل است اعلام کرد به شرکت های زیرمجموعه خود اجازه نخواهد داد قطعات یا محصولات خود را به ایران بفروشند.

۱۱- شرکت خدمات نفتی اسمیت اینترنشنال نیز در اول ماه مارس اعلام کرد به طور فعال و جدی به دنبال توقف تمام فعالیت های خود در ایران است.

۱۲- شرکت کاتوبیلار که بزرگترین سازنده ماشین آلات و تجهیزات ساختمانی و معدنی است در روز اول مارس اعلام کرد در صدد است که روابط کاری خود را با ایران قطع کند این شرکت اعلام کرد به زیرمجموعه های خود در خارج از امریکا دستور داده است از فروش تجهیزات به دلالات مستقلی که ممکن است این تجهیزات را به ایران بفروشند خودداری کنند.

۱۳- شرکت آلمانی زیمنس نیز در ماه ژانویه اعلام کرد سفارش دیگری را از سوی ایران نخواهد پذیرفت.

۱۴- شرکت گلنکور نیز در نوامبر سال دو هزار و نه میلادی فروش بنزین را به ایران متوقف کرد.

۱۵- شرکت هانتسمن کراپ که یک شرکت تولید کننده مواد شیمیایی است در ماه ژانویه اعلام کرد شرکت های خارجی زیر مجموعه خود را از فروش محصولات به طرف های ثالث در ایران بر حذر داشته است.

۱۶- شرکت مالی کی یی ام جی و شرکت پرایس واتر هاوس کوپرز اند ارنست نیز اعلام کرده اند هیچ گونه رابطه تجاری با ایران نخواهند داشت.

### \* ایران در فروش نفت خود با مشکل روبرو است:

در ۱۳ مه ۲۰۱۰، دوپچه وله گزارش کرده است: تحریم‌های سازمان ملل، کیفیت پایین و قیمت بالای نفت ایران باعث شده که جمهوری اسلامی در پیدا کردن خریدار برای نفت خود مشکل پیدا کند. از شمار خریداران کاسته شده و ایران نفت مازاد را در کشتی‌های نفت کش انبار کرده است.

بر اساس ارزیابی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، از اواخر ماه مارس (اوایل فروردین) تا اوایل ماه مه (اواسط اردیبهشت) شمار تانکرهای شناور ایران دو برابر شده‌اند. این تانکرها ۳۰ تا ۳۸ میلیون بشکه نفت را در خود ذخیره کرده‌اند. به طور کلی در سطح جهان، در همین فاصله زمانی، ذخیره نفت خام از ۶۵ میلیون به ۸۱ میلیون بشکه افزایش یافته است.

### ● کیفیت پائین و قیمت بالای نفت ایران:

در یک گزارش ماهانه آژانس بین‌المللی انرژی که روز چهارشنبه (۱۲ مه / ۲۲ اردیبهشت) انتشار یافت، آمده است که کیفیت پایین نفت خام ایران در مقایسه با قیمت بالایی که شرکت ملی نفت ایران می‌کوشد در بازار به کرسی بنشاند، علت ناتوانی ایران در فروش نفت خود است.

روزنامه "فاینانشال تایمز آلمان" می‌نویسد که بسیاری از مشتریان نفت ایران قراردادهای خود را فسخ کرده‌اند. چین نیز که جزو مهم‌ترین خریداران نفت ایران محسوب می‌شد، از میزان واردات نفت ایرانی خود کاسته است.

ایران در شرایط بسیار دشوار اقتصادی به سر می‌برد. بسیاری از شرکت‌های بزرگ نفتی به دلیل تحریم‌های سازمان ملل و آمریکا، به ارسال بنزین به ایران خاتمه داده‌اند، از جمله شرکت‌های شل، ویبتول، ترفایگورا، ریالینس، لاک‌اویل و گلن‌کور. در عوض شرکت‌های چینی مانند شرکت ملی نفت چین (CNPC) و سینوپک می‌کوشند خلاء ارسال بنزین به ایران را جبران کنند.

از نظر کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی، «کاهش مشتریان نفتی ایران می‌تواند برای ایران مشکلات بسیاری بیافریند؛ به ویژه که ایران با متورم شدن انبارهای نفتی روبه‌رو است».



**\* در قالب تذکری افشا شد: عدم ابلاغ بودجه ۸۹ دستگاه‌های اجرایی از سوی دولت:**

◀ در ۲۶ اردیبهشت ۸۹، به گزارش ایلنا، با آنکه دو ماه از سال می‌گذرد، هنوز بودجه دستگاه‌ها ابلاغ نشده است. بودجه نتخواه در اختیار دستگاهها قرار نگرفته است. با ادامه این روند، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی با مشکل مواجه می‌شود. نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه از عدم تخصیص اعتبارات ستاد حوادث غیر مترقبه انتقاد کرد و خواهان رفع این مشکل از سوی دولت شد.

جعفر قادری نماینده شیراز در جلسه علنی امروز با استناد به بند ۵ ماده ۳۳ آیین‌نامه داخلی مجلس، اظهار داشت: قریب به دو ماه از سال می‌گذرد؛ اما ظاهراً هنوز بودجه دستگاه‌ها ابلاغ نشده است. این در حالی است که تکالیفی برای دولت در قانون بودجه ۸۹ مشخص کردیم که تا پایان اردیبهشت ماه باید موافقتنامه‌های آن از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با دستگاه‌های اجرایی امضا شود که متأسفانه ابلاغ نشده است. روال معمول در سال‌های گذشته این بوده است که در ابتدای سال قبل از اینکه موافقتنامه‌ای مبادله شود برای طرح‌های و پروژه‌های عمرانی مبلغی به‌عنوان نتخواه اختصاص داده می‌شده است. ولی امسال چنین اقدامی نشده است و اگر این روند ادامه پیدا کند، در انجام طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی وقفه‌ای خواهیم داشت. لذا از دولت انتظار داریم به موقع عمل کنند.

انقلاب اسلامی: وقتی دوماه از سال می‌گذرد و حکومت بودجه را ابلاغ نمی‌کند یعنی وضعیت اقتصادی بیش از آنکه تصور شود، خراب است. در حقیقت، دولتی که یارانه می‌گیرد، منبع اصلی که مالیات از اقتصاد ملی است را ندارد. بودجه اش از نفت و قرضه‌های داخلی و خارجی و کسر بودجه حاصل می‌شود. در حقیقت، دولت ایران فاقد بودجه است و از فروش نفت و گاز و قرضه‌ها گذران می‌کند. با توجه به بحران اقتصادی در جهان و فرار سرمایه‌ها و استعدادهای ایران و تن ندادن مافیایا به کاسته شدن از رانت‌ها که می‌برند، دولت مافیایا در سخت‌ترین وضعیت اقتصادی است.

**\* طبق آمار منتشره از بانک مرکزی: از هر ۱۰ چک یکی برگشت می‌خورد مبلغ چکهای برگشتی ۲۳ میلیارد دلار است:**

◀ در ۱۸ اردیبهشت ۸۹، بانک مرکزی گزارش کرده است: رکورد چک‌های برگشتی در سال ۸۸ شکسته شده است: در سال ۸۸، بالغ بر ۵/۹ میلیون برگ چک برگشت خورده که ارزش این اسناد معادل ۲۳ هزار میلیارد تومان بوده است یعنی از نظر تعداد ۷/۱۰ درصد از کل چک‌های مبادله شده و از نظر ارزش معادل ۵ درصد کل ارزش اسناد مبادله شده برگشت خورده است. این ارقام هم از نظر ارزش و هم از نظر تعداد طی یک دهه گذشته در اقتصاد ایران بی سابقه بوده است. همچنین این آمار نشان می‌دهد

**زندانی در زندان ناتوانی**

در سال ۸۸ متوسط ارزش هر چک برگشت خورده معادل ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان بوده است که در مقایسه با سال ۸۷ معادل ۸.۶ درصد افزایش داشته است.

**\* بانک جهانی ایران را متهم به پولشویی کرد:**

به گزارش ایلنا اجلاس بهار صندوق بین‌المللی پول در ۱۸ اردیبهشت ۸۸، در هفته اول ماه مه برپا شد در بیانیه پایانی، ایران متهم به پول شونی شد.

انقلاب اسلامی: دولتی که در درون و بیرون از مرزها، حامل بحران و خشونت و فقر است، در ید مافیاهای نظامی - مالی است:

**فهرست اسامی اعضای مافیایا که از رهگذر استبداد ملاتاریا، از انقلاب بدین سو، تشکیل شده اند - ۶:**

سانلی - علیرضا - مشاور جوان و رئیس سازمان رفاه گستر. ساجد نیاد - سردار سپاه - جانشین فرماندهی تهران بزرگ. ساروز - حسین - سردار سپاه - از جمله کنندگان به مردم در خیابانهای تهران و از جمله مداحان این باند سرکوب های خیابانی می باشد. ایشان زمانی در حفاظت صدا و سیمای نظام ولایت در کنار غفور درجزی قرار داشت. ساداتی - اکبر - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. ساداتی - زندانبان زن زندان اوین. ساداتیان - رییس دفتر هاشمی رفسنجانی - در حال حاضر مشغول به تهیه فیلم می باشد.

ساروز - حاج محمود - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. سردار سپاه و عضو باند امنیتی و از مسئولان حراست و حفاظت صدا و سیما است. سازگارا - محسن - از فرماندهان سپاه و از نیروهای امنیتی در سالهای ابتدای انقلاب - معاون بهزاد نبوی بود پس از مخالفت با خامنه ای و زندانی شدن و سپس آزاد گشتن از زندان رژیم ولایت، در سال ۲۰۰۳ به خارج از کشور آمد و ابتدا به انگلیس برای معالجه و پس از آن به آمریکا رهسپار که به عنوان "مدیر مرکز مطالعات ایران معاصر" در واشنگتن زندگی می کند و خود را از حامیان موسوی و جنبش سبز در مبارزه با رژیم میدانند. ساسانی - فرشته - معاون بانوان وزارت کشور در زمان پور محمدی - قائم مقام او همسر ذوالقدر می باشد. ساعدی - معاون مدیر کل دفتر امور بین المللی قوه قضاییه.

سالارکیا - محمود - معاون سعید مرتضوی در دادستانی تهران. وی شاگرد خیاطی بود. سبحانی - جعفر - از علمای وابسته به نظام ولایت - آیت الله. ستار پور - بهنام - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. ستاری - سعید - معاون کمیته امداد امام خمینی - از اعضای باند اقتصادی نظام ولایت مافیایا. ستوده - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. سجادی - کمال - سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری - از اعضای وابسته به باند سرکوب های خیابانی و سیاسی نظام ولایت مافیایا.

سخی - علی - از نیروهای وابسته به نظام ولایت. سراج - ناصر - رییس کفیری استان تهران. سرافراز - محمود - از بخش رسانه ای وزارت اطلاعات. سربخش - علیرضا - از باند سرکوب های خیابانی. سردار زاده - ابوالقاسم - نماینده سوم - وزیرکار و از مسئولان سازمان زندانها و از نیروهای اطلاعاتی قضایی در دهه شصت.

سرلک - مجید - پاسدار زندان اوین و تیر خلاص زن. سرلک - محمود از اهالی الیگودرز و از زندانبانان شکنجه گر که تا سال ۶۱ در اوین بود و بعد به - گوهر دشت انتقال یافت. سرلک - مصیب - پاسدار زندان گوهر دشت. سردی - حمید - معاون امنیت وزارت اطلاعات قبلا در بخش خارجی بود. سردی - مرتضی - روابط عمومی وزارت امور خارجه در جریان ترور میکونوس.

سرور - ندیم - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. سروری - پرویز - نماینده مجلس. از اعضای باند سیاسی - امنیتی. ساعدی معاون مدیرکل دفتر امور بین المللی قوه قضاییه. سعادت پرور - از باند خشونت طلب مصباحیه - حجت الاسلام. سعادت - حجت الاسلام - رئیس زندان گوهر دشت بعد از صبحی. سعید لو - علی - معاون رئیس جمهور - معاون احمدی نژاد در شهرداری تهران. سعیدی - سید محمد - حجت الاسلام فرزند سعیدی - امام جمعه قم - مسئول دفتر استفتائات خامنه ای. سعیدی - علی - نماینده ولی فقیه در سپاه.

سعیدیان فرد - محمد - سعیدی - از نمایندگان مجلس و از بانیان سپاه پاسداران قم و دوستان محمد منتظری - حجت الاسلام. سعیدی کیا - محمد - وزیر چندین دولت در نظام ولایت مافیایا و از دوستان رهبر نظام ولایت. سلامتی - محمد - عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی سالهای ابتدای انقلاب که بازجو بود و زمانی نماینده مجلس و وزیر کشاورزی بود و کشور را به سمت امنیتی شدن برد تا بتواند در سرکوب های سال ۶۰ و بعد از آن ولایت را مستقر سازد.

سلامی - حسین - سردار سپاه - از فرماندهان سپاه پاسداران. سلحشور - حاج مهدی - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. سلطانیور - مسعود - از اعضای فرماندهی گروه انصار حزب الله. رئیس شرکت تاسیسات دریایی. سلطانخواه - نسرین - رایحه خوش خدمت، معاون وزیرکشور و از اعضای باند سرکوب های خیابانی.

سلطانی - امیر - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. سلطانی - پدram - از بزرگترین صاحبان شرکت های پتروشیمی - از اعضای برجسته باند اقتصادی نظام ولایت مافیایا. سلطانی - مجتبی - مسئول سیاسی جامعه اسلامی دانشجویان و از اعضای باند سرکوب های خیابانی. سلطانی - مشاور جوان وزیر تعاون. سلطانی - کاندیدای مجلس هشتم - سردار سپاه.

سلطانی ثانی - عبدالله - عضو هیات مدیره سایپا - دوست بزم پاش، عضو بسیج صنعتی شریف - همکار بسیج امیرکبیر. سلطانیه - علی اصغر - نماینده ایران در آژانس بین المللی هسته ای - از اعضای باند ترورهای سیاسی در خارج از کشور. سلیمی - پروین - نماینده مجلس. سلیمان نصب - مدیر کل زندانهای استان جنوبی. سلیمانی - سردار سپاه - معاون بازرسی ستاد مشترک سپاه.

سلیمانی - سردار سپاه - رئیس سازمان بسیج کارمندان، کارگران و اصناف: خیال نکند بسیج حاشیه نشین شده است. سلیمانی - سردار سپاه - معاون هماهنگ کننده نیروی مقاومت بسیج. سلیمانی - عباسعلی - از حکام شرع دادگاههای انقلاب - حجت الاسلام. سلیمانی - قاسم - از نیروهای اطلاعاتی - نظامی - فرمانده سپاه قدس. سلیمانی - محمد - معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (علوم، تحقیقات و فناوری کنونی. سلیمانی - مسئول زندانهای مرکز در حال حاضر.

سلیمانی - مسعود - مسئول پروژه اردکان. سلیمانی - سردار سپاه و فرمانده لشکر امام حسین. سلیمانی - عباسعلی - از حکام شرع دادگاههای انقلاب - حجت الاسلام. سلیمی - دادستان دادگاه ویژه روحانیت که ماده ای جدید بر قوانین آن افزود - کسانی که در این دادگاه محاکمه می شوند عبارتند از: اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام - اعضای شورای نگهبان - نمایندگان مجلس شورای اسلامی - وزرا - و معاونین آنها - معاونان و مشاوران - روسای سه قوه - سفرا - دادستان و رئیس دیوان محاسبات - دارندگان پایه قضایی - استانداران و فرمانداران - اجرام عمومی افسران نظامی - انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استاتنها که لحاظ روحانی مطرح می شود. و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری - انمه جمعه - ۱۲ آذر ماه سال ۱۳۸۶ سلیمی - پروین - از اعضای باند سیاسی و سرکوب های خیابانی در کنار مریم بهروزی و دیگر اعضای جامعه اسلامی زینب، سالها مدافع نظام ولایت مافیایا بوده است.

سلیمی - محمد رضا - معروف به محمد صداقت از اعضای باند امنیتی و اطلاعاتی. سلیمی نمین مهدی - مهدی ذوالفقاری، معاون طرح و عملیات داخلی وزارت اطلاعات. سمیعیان - جانشین سپاه استان اصفهان - سردار سپاه. سنگری - محمد رضا - از سخنرانان مراسم انصار حزب الله. سماواتی - حاج مهدی - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. سماواتیان - از نیروهای وابسته به انصار. سود مند - فرمانده یگان انتظامی زندان گوهر دشت.

سوداگر - سردار سپاه پاسداران در بخش معاونت سیاسی از اعضای باند نظامی - سیاسی.

سولی - مهدی - از اعضای باند سرکوب های خیابانی و قائم مقام کمیته آموزش هیات مؤتلفه اسلامی. سیاح - اصغر - پرسنل معاونت امنیت شاعل در اداره کل چپ - اداره چپ نو و سیاسی - قضایی نظام ولایت مافیایا. سیامی - دلآور - از باند سرکوب های خیابانی رایحه خوش خدمت. سیاوش پور - احمد - رئیس کل دادگستری استان فارس - حجت الاسلام. سبب سرخی - حسین - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت.

سیبویه - از نیروهای وابسته به باند قضایی ولایت - آیت الله. سیدان - سید جعفر - از علمای رسانه ای نظام ولایت - آیت الله. سیدحاتمی - سید ابراهیم - از حکام شرع و مرتبط با قوه قضاییه - حجت الاسلام. سیدآغا خان - سید رستم - از باند سرکوب های خیابانی رایحه خوش خدمت. سید سجادی - از باند سرکوب های خیابانی رایحه خوش خدمت. سیف الله زاده - دادستان اراک در سال ۵۸.

سیف امیر - سرهنگ نیروی انتظامی و از حامیان باند سرکوب های خیابانی در حمله به اجتماعات تهران. سیفی - بهروز - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. سیفی - از نیروهای وابسته به باند خزعلی در امور اقتصادی و رسانه ای. سیف الهی - رضا - از دانشجویان خط امام - معاون اطلاعات محسن رضایی در سپاه پاسداران و از اعضای بلند پایه باند های امنیتی - سرکوب های خیابانی - نظامی.

سیفیان - محمد کاظم - نماینده مجلس. شالچی - محمد تقی - فرماندار قم - سال ۵۹.

شاملی - عباسعلی - از باند خشونت طلب مصباحیه - حجت الاسلام. شاه آبادی - مهدی - نماینده دور اول رئیس جامعه روحانیت تهران. شاه علی زاده - حسین - سرپرست کل زندانها در سال ۵۹.

شاه محمدی - از سپاه پاسداران در زندان اوین. شاهچراغی - سیدمحمد - از مرتبطين با قوه قضاییه و برادر شاهچراغی، دادستانی دوران لاجوردی - حجت الاسلام. شاه صفی - حسین - سردار - فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی در سال ۸۷.

شاه مرادی - مرتضی - از بازجویان وزارت اطلاعات در زندان. شاهچراغی - سیدمحمد - از مرتبطين با قوه قضاییه و برادر شاهچراغی دادستانی دوران لاجوردی - حجت الاسلام. شاهچراغی - سید علی - رئیس سازمان تعزیرات حکومتی. شاهرخی - سیدمحمد نقی از امامان جمعه و وابستگان به قوه قضاییه - آیت الله. شاهرودی - احمد - از وابستگان به قوه قضاییه مسئول توسعه قضایی. شاهرودی - شیخ محمد - شوهر خاله احمد تولکی.

شاهی - علی - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. شاهی - محمد مسعود - شاکری - ماشاءالله - دوست مکتی - کارمند روابط عمومی کشتریانی - سفیر ایران در پاکستان.

شاکری - صدیقه - از نیروهای وابسته به باند سرکوب های خیابانی. انقلاب اسلامی: گروگانگیری و معامله بر سر گروگانها از عوامل تعیین کننده در ایجاد این مافیاهای حاکم بر کشور بوده اند:



## هامیلتون، تشکیل دهنده کمیته تحقیق درباره «اکتبر سورپرایز» ، تازه مطلع می شود که گزارش در باره معامله پنهانی با سانسور سندها تهیه شده است!؟

انقلاب اسلامی: اگر در ایران، ماجرای گروگانگیری و معامله خمینی و دستیاران او با ریگان و بوش، دو نامزد ریاست و معاونت ریاست جمهوری آمریکا در انتخابات ۱۹۸۰، در سانسور کامل است، در آمریکا، همچنان موضوع تحقیق است. یکی از تازه ترین نوشته در این باره، به تاریخ ۶ مه ۲۰۱۰، به قلم روبرت پاری است. روبرت پاری، از هامیلتون، رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان، بهنگام تشکیل کمیته تحقیق در باره «اکتبر سورپرایز» در باره گزارش روسیه پیرامون معامله در پاریس، بر سر گروگانها پرسیده و پاسخ شنیده است که از آن خبر ندارد. او که خود این کمیته را تشکیل داده بود، از گزارش بنی صدر به کمیته تحقیق نیز اطلاع نیافته است. سرگروه تحقیق، با سانسور سندها، گزارش تهیه کرده است. گزارشی را تهیه کرده است که مطلوب مایکل لودین، کسی که خود در معامله نقش داشته شده است:

### \*سندهایی که نقش کلیدی را داشتند، سانسور شدند:

● سند اول، گزارشی که حکومت روسیه در باره معامله پنهانی (اکتبر سورپرایز) که در اکتبر ۱۹۸۰، میان فرستادگان ریگان و بوش و فرستادگان ایران، در پاریس انجام گرفت، به اطلاع هامیلتون، تشکیل دهنده و رئیس کمیته تحقیق مجلس نمایندگان نرسید:

در مصاحبه اخیر، لی هامیلتون، نماینده مجلس نمایندگان از ایندیانا، که مسئول کمیته تحقیق در باره اکتبر سورپرایز بود، به من گفت: «به یاد نمی آورم گزارش حکومت روسیه را دیده باشم». حال آنکه خود او بوده است که از حکومت روسیه خواسته بود در این باره همکاری کند. باوجود این، گزارش فوق العاده این حکومت را در باره معامله پنهانی بر سر گروگانها در اکتبر ۱۹۸۰، در پاریس، را ندیده است!

گزارش روسیه که به تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۹۳ تسلیم سفارت آمریکا در روسیه شده است، ناقص گزارش کمیته تحقیق است. گزارش ۲ روز بعد از دریافت این سند، با قید «سند معتبری دال بر وقوع معامله یافت نشد»، به تصویب کمیته رسیده است.

من شکست زده شدم وقتی از زبان هامیلتون شنیدم که او از وجود گزارش حکومت روسیه بی اطلاع است. شگفتی من بیشتر شد وقتی در

## زندانی در زندان ناتوانی

پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا.

بنا بر گزارش، همزمان، جمهوریخواهان نیز، به حساب خود، طرف معامله با ایران بوده اند: «ویلیام کیسی، در ۱۹۸۰، سه نوبت، با نمایندگان رهبری ایران دیدار کرد. دیدارها در مادرید و پاریس انجام شدند. در دیدار پاریس، در اکتبر ۱۹۸۰، روبرت گیتس، عضو وقت شورای امنیت ملی آمریکا (در حکومت کارتر) و رئیس پیشین سیا، ژرژ بوش نیز شرکت داشته اند.» و «در مادرید و پاریس، نمایندگان رونالد ریگان و رهبر ایران در باره به بعد از انتخابات ریاست جمهوری موکول کردن گروگانها، گفتگو کرده اند.»

بنا بر گزارش، همزمانی آزاد شدن گروگانها و سوگند ریگان بمثابة رئیس جمهوری آمریکا، در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۰، شگفتی آور بود. این همزمانی، در ذهن آمریکائیان اینطور القاء کرد که ریگان چنان ترسی در دل مقامات ایران انداخته است که مجبور شده اند هم زمان با ادای سوگند او، گروگانها را رها کنند. اما هرگاه این همزمانی بخاطر انجام معامله بر سر رها کردن گروگانها و گرفتن اسلحه بوده باشد، ریاست جمهوری ریگان با فریب و خیانت آغاز شده است.

گزارش روسیه (مستند به گزارش مأموران ک.گ.ب از پاریس و تهران و مادرید و لندن و واشنگتن و...) حاکی از اینست که مقامات ارشد حزب جمهوریخواه آمریکا نیز طرف معامله با طرف ایرانی خود بوده اند: ویلیام کیسی که رئیس ستاد تبلیغات ریگان بود و ژرژ بوش که نامزد معاونت ریاست جمهوری بود و روبرت گیتس (وزیر کنونی دفاع) که افسر سیا و شورای امنیت ملی، پیش از آنکه معاون استنفیلد ترنر، رئیس سیا، بود، در انجام معامله پنهانی شرکت داشته اند. کیسی نخستین رئیس سیا در حکومت ریگان شد و در ۱۹۸۷، پیش از آنکه اکتبر سورپرایز موضوع تحقیق شود، مرد. بوش بمدت ۸ سال معاون رئیس جمهوری بود و سپس به ریاست جمهوری رسید. گیتس در ۱۹۹۲ به ریاست سیا رسید و اینک وزیر دفاع در حکومت اوپاما است.

### \*رقابت در دادن امتیازهای بیشتر:

● همانطور که گزارش حکومت روسیه تشریح می کند، گفتگوها بر سر گروگانها، موضوع رقابت میان حکومت کارتر و ستاد تبلیغاتی ریگان شدند. گفتگو کنندگان از سوی کارتر امتیازها پیشنهاد می کردند به ایران واگذار کنند هرگاه گروگانها پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، آزاد شوند. گروه هوادار ریگان نیز دادن امتیازهایی را پیشنهاد می کردند هرگاه گروگانها پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا آزاد نشوند.

بنابر ترجمه گزارش روسیه که توسط سفارت آمریکا در مسکو انجام شده است، «با ایرانیان گفتگو بوده است در باره عادی کردن روابط در چند مرحله و برخوردار شدن کارتر از حمایت، از راه آزاد کردن گروگانها

این که زمان توافق با حکومت کارتر را به تأخیر بیندازد. زمان چشم پوشی شگفت اور او از این وثیقه، تاریخ توافق محرمانه لندن را معین می کند. در حقیقت، او منتظر نتیجه معامله محرمانه لندن با نمایندگان ریگان، رئیس جمهوری جدید بوده است و بعد از انجام معامله، نه تنها از وثیقه چشم می پوشد، بلکه بخش بزرگی از پولهای ایران را نیز به آمریکا می بخشد و مطالبات بانکهای آمریکائی را نیز یکجا می پردازد. قرارداد با حکومت کارتر، در ۱۹ ژانویه، یک روز پیش از مراسم سوگند رئیس جمهوری جدید، ریگان، بسته می شود. به این قرارداد، بیانیه الجزایر نام نهادند زیرا می دانستند رئیس جمهوری آن را امضاء نمی کند. رجائی و بهزاد نبوی بر خیانت خود نقض قانون اساسی را افزودند. بعدها خود ماجرا را بازگفتند: می دانستیم این کار خیانت است اما چون امام خمینی فرمودند بکنید، کردیم!

● حکومت روسیه به تقاضای لی هامیلتون اطلاعات خود را از «اکتبر سورپرایز»، تسلیم سفارت آمریکا در مسکو کرد. هامیلتون در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۹۲، از آن حکومت خواست اطلاعات خود را در باره اکتبر سورپرایز در اختیار کمیته تحقیق بگذارد. گزارش را سرگی و. استپاشین، رئیس کمیته عالی دفاع و امنیت روسیه امضاء کرده است.

اقدام روسیه یک همکاری بی سابقه میان دو دشمن قدیمی بود. استپاشین چکیده ای از گزارشهای دستگاه جاسوسی روسیه در باره اکتبر سورپرایز و معامله های محرمانه دیگر آمریکا با ایران، در اختیار کمیته تحقیق قرار داد.

در ۱۹۸۰، ک.گ.ب شوروی سابق منابع اطلاع گیرنده خود را در کشورهای مختلف داشت و بدیهی است به اموری که به ایران مربوط می شد، توجه کامل داشت. ک.گ.ب در سازمانهای اطلاعاتی کشورها نفوذ کرده بود و از اطلاعات این سازمانها پیرامون اکتبر سورپرایز نیز سود می جست. از جمله در دوایر اطلاعاتی فرانسه و اسپانیا و آلمان و ایران و اسرائیل، عامل نفوذی داشت. تاریخ نشان داده است که ک.گ.ب در سیا و دیگر سازمانهای اطلاعاتی عامل نفوذی داشته است. بنابراین، بطور قطع، در موقعیتی بوده است که بداند معامله سال ۱۹۸۰، انجام گرفته است و یا نگرفته است.

### \* گزارش گم شده:

● بدین قرار، اگر سخنان هامیلتون و بارسلا (سرگروه تحقیق) راست باشند، گزارش هیچگاه به هامیلتون داده نشده است. گزارش را بارسلا گرفته و او تصمیم گرفته است آن را بایگانی کند.

بعد از این که، در اواخر ۱۹۹۴، من گزارش را در جعبه هائی یافتیم که مدارک در آنها نهاده شده بودند، من پرسشهای خود را برای هامیلتون فرستادم. آن زمان، هامیلتون یک چهره قوی و رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس نمایندگان بود.

سالها بعد، در ۲۰۰۴، که مشغول تألیف کتاب **Secrecy and Privilege** بودم، ترتیب گفتگوئی

تلفنی با بارسلا را دادم. برای این که از او بپرسم چرا کمیته تحقیق گزارش روسیه را، در گزارش خود لحاظ نکرده است؟ بخصوص که گزارش روسیه ناقص گزارش کمیته تحقیق در باره اکتبر سورپرایز است.

بارسلا اینطور توضیح داد که گزارش روسیه دیر رسید و بایگانی شدن آن با قید «محرمانه» بدین معنی است که نمی باید انتشار می یافت. در واقع، قصد این بوده است که سند گور و گم شود.

در آن مصاحبه، بارسلا نیز گفت: سند جدید در باره معامله جمهوریخواه ها با ایرانیها، در ماه دسامبر، زمانی رسید که تحقیق داشت به پایان می رسید. این امر او را برآن داشت که از هامیلتون بخواهد زمان تحقیق را برای چند ماه دیگر تمدید کند تا که مدارک جدید مورد بررسی قرار گیرند. اما هامیلتون نپذیرفت.

باوجود این در گزارش کمیته که در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳، منتشر شد، به اسنادی که بارسلا می گوید زمان می خواسته است برای بررسی آنها، اشاره نیز نشده است. اطلاعات در باره سفرهای بیل کیسی و فعالیتهای دیگر جمهوریخواهان در رابطه با اکتبر سورپرایز، یا مقلوب و یا دستکاری شده اند.

باوجود این در ۱۹۹۳، عقل واشنگتن به این نتیجه رسیده بود که اکتبر سورپرایز، «تئوری توطئه است». برغم امرهای واقع حاکی از دروغ گفتن بسیاری از همکاران ریگان در باره معامله پنهانی اسلحه در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶، (ایران گیت)، چرا باید کمیته تحقیق قول کسانی را پذیرفته باشد که راستگوئی آنها دست کم محل تردید بود.

### \* بازپرداختن به اکتبر سورپرایز:

● در فوریه ۲۰۱۰، اکتبر سورپرایز، از نو، مسئله ای شد که می باید بدان می پرداختیم: من به لوس آنجلس رفته بودم. من مایلی دریافت کردم از یک عضو کمیته تحقیق اکتبر سورپرایز. او مروین دیمالی

Mervyn Dymally، نماینده آن روز مجلس از حزب جمهوریخواه بود. چون هر دوی ما در لوس آنجلس بودیم، از او خواستم صبحانه ای با هم بخوریم. پذیرفت.

دیمالی گفت مشغول تنظیم کاغذهایش بوده و نامه ای یافته است که او را متعجب ساخته است: هامیلتون و معاون او، هانری هاید، از حزب جمهوریخواه، به توماس فولی، رئیس مجلس، نامه می نویسند در آن ادعا می کنند که در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۲، گزارش کمیته تحقیق به اتفاق آراء اعضای کمیته تصویب شده است.

او گفت: اما من هرگز گزارش را تصویب نکرده بودم. با گزارش نهائی مخالف نیز بودم. او افزود که هامیلتون در ژانویه ۱۹۹۳، به من تلفن کرد و از من خواست، مخالفت خود را پس بگیرم. او به من گفت: «اگر در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۲، اعضای کمیته به اتفاق آراء با گزارش موافقت کرده بودند،



چرا در ماه ژانویه به من تلفن کرد و از من خواست مخالفت خود را پس بگیرم؟ من از جلسه ۱۰ دسامبر هیچ اطلاع ندارم.»

نامه دیپلماتیک در مخالفت با توجیهاتی بوده است که بارسلا و کمیته تحقیق برای توجیه حضور کیسی در آمریکا، تاریخچه‌ای که از لحاظ اکتبر سورپرایز، تعیین کننده اند. برای مثال، کمیته تحقیق مدعی بود که چون کسی به خانه کیسی در روزی تلفن کرده است که گفته می شود او در خانه آمریکا نبوده است، پس او در خانه خود بوده است. و چون در روز دیگری که گفته می شود او به مادرید رفته است، هواپیمائی از سان فرانسسکو به لندن رفته است، پس کیسی مستقیم به لندن رفته است.

بنا بر منابعی که از مخالفت دیپلماتیک با گزارش آگاه بوده اند، او استدلال کرده بود: «بدین خاطر که زنگ تلفن خانه کیسی به صدا درآمده و کسی گوشی را برداشته و یا که هواپیمائی به لندن رفته، نمی توان گفت در آن روز، کیسی در خانه بوده است و در روز دیگر، او به لندن رفته است.» اما بارسلا از مخالفت دیپلماتیک عصبانی می شود و از هامیلتون می خواهد او را تحت فشار قرار دهد.

در مصاحبه ای که در ۱۹۹۳، با دیپلماتی کردم، او بازنشته شده بود و به من گفت: روزی که مخالفت خود را اظهار کردم، هامیلتون به من تلفن کرد و از من خواست مخالفت خود را پس بگیرم. تهدیدم کرد که اگر چنین نکنم، «بر من سخت خواهد گرفت.»

روز بعد، هامیلتون که رئیس کمیسیون روابط خارجی بود، دفتر کمیته فرعی را که دیپلماتی بر آن ریاست داشت، زیر آتش گرفت. هامیلتون به من گفت: دو امر (مخالفت من با گزارش و منحل کردن دفتر) در یک زمان واقع شده اند و ربطی بهم ندارند.

اما هشدار او به دیپلماتی بدین خاطر بود که او مخالفت خود را پس بگیرد. دیپلماتی برای این که اعضای دفتر شغل خود را بازیابند، مخالفت خود را پس گرفت.

در لوس آنجلس، دیپلماتی به من گفت: من هرگز گزارش را تصویب نکردم و بطور قطع در جلسه ۱۰ دسامبر گزارش را تصویب نکردم.

**\*سرروسی:**

● من همچنین از دیپلماتی پرسیدم: آیا او از گزارش روسیه و سندهای دیگری که بارسلا می گوید دیر رسیدند و فرصت رسیدگی به آنها نبود، اطلاع دارد؟ بارسلا می گوید از هامیلتون چند ماه وقت خواسته است و هامیلتون با تمدید مدت مطالعه موافقت نکرده است. دیپلماتی گفت: از هیچکدام از اسناد اطلاع نیافته است.

چون دیپلماتی گفت اتفاق آرائی در کار نبوده است، من شروع کردم به تماس گرفتن با اعضای کمیته تحقیق تا بدانم نظرهای آنها چه بوده است. من با دو عضو مجلس نمایندگان آن روز، ادوارد فیکان و سام جعدنسون ارتباط گرفتم. هیچیک از آنها، از رأی گیری روز ۱۰ دسامبر، خاطره روشنی نداشتند. اما وقتی از آنها در باره اطلاعشان از گزارش روسیه و پیشنهاد تمدید زمان تحقیق پرسیدم، خوب بخاطر می آوردند که نه از وجود گزارش آگاه شده اند و نه از پیشنهاد بارسلا.

**زندانی در زندان ناتوانی**

باوجود این، هامیلتون به من گفت از تقاضای تمدید مدت تحقیق توسط بارسلا، هیچ به خاطر نمی آورد. بعد از دریافت گزارش روسیه، هامیلتون تاکید کرد که این گزارش را پیش از این، هیچگاه ندیده است. مسئول دفتر من، مایکل وان دازن نیز آن را ندیده است.

**\*گزارشهای بنی صدر و آندلمن و... به کمیته تحقیق نیز سانسور شدند:**

● قول بارسلا در باره «دقت تحقیق و محرمانه بودن نتایج آن» نیز محل تردید است: در ۸ دسامبر ۱۹۹۲، بارسلا که می دانست نتایج تحقیق گروه تحت سرپرستی او، سست اعتبارند، از دستیاران خود خواست گزارش را طوری بنویسند که درب باز بماند. تا اگر تحقیق بعدی روا دیده شد و آن تحقیق باره ای و یا تمامی نتایج را بی اعتبار کرد، امکان توجیه برای او و گروه تحقیق، باشد.

در واقع، سندهائی رسیدند حاکی از این که ستاد تبلیغات ریگان با فرستاده های رهبری ایران، معامله ای را بر سر گروگانها انجام داده است. این سندها یا در گزارش نیامدند و یا طوری ذکر شدند که نتایج را نقض نکنند. برای مثال، گزارش جزء به جزء رئیس جمهوری پیشین ایران، ابوالحسن بنی صدر، مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۲، که گزارش دست اولی از مبارزه درونی با آیت الله خمینی بر سر معامله پنهانی با جمهوریخواه ها بود، نادیده گرفته شد و در گزارش، با عبارت «ششیده» ای که سندیت ندارد، به آن اشاره شد.

انقلاب اسلامی: فرستاده های کمیته تحقیق، دو نوبت، نزد بنی صدر آمدند. توضیحات او را شنیدند. غیر از گزارش تفصیلی، نامه هائی را که او به خمینی، در باره معامله در پاریس، بر سرگروگانها، دریافت کرد. دقت گزارش و اطلاع دقیق از وجود معامله، در زمان انجام آن، گروه را که مأموریت داشته است، خلاف حقیقت گزارش تهیه کند، ناگزیر کرده است. گزارش و توضیحات او را سانسور کرده اند.

● روز بعد، در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲، داوید آندلمن، نویسنده زندگی نامه رئیس سازمان جاسوسی و ضد جاسوسی فرانسه، آکساندر دومارائز، شهادت داد: دومارائز با من از تماسهای ایرانیها و جمهوریخواه ها صحبت کرد. آندلمن روزنامه نگار پیشین در نیویورک تایمز و سی بی اس نیوز، به کمیته تحقیق گفت: در ایامی که باتفاق دومارائز، مشغول تدوین و تحریر زندگی نامه او بودم، آن رئیس سازمان جاسوسی و ضد جاسوسی سخت محافظه کار، قبول کرد که ترتیب دیدار میان جمهوریخواه ها و ایرانیها را، در اکتبر ۱۹۸۰، در پاریس داده است.

دومارائز دستور داد ترتیب معامله پنهانی میان جمهوریخواه ها و ایرانیها را از کتاب خاطرات او حذف کنم. زیرا به دوستان جمهوریخواه او، ویلیام کیسی و ژرژ بوش، صدمه وارد میکرد. شهادت آندلمن، در باره معامله اکتبر سورپرایز و نقش بوش و کیسی، ارزش اول را، در مقایسه با گزارشهای سازمانهای اطلاعاتی دیگر داشت. زیرا

دومارائز خود دیدار دو طرف و معامله را ترتیب داده بود. با وجود این، در گزارش کمیته تحقیق، به این شهادت نیز اعتناء نشده است. طرفه این که در گزارش، شهادت آندلمن «معتبر» توصیف شده است. اما اضافه شده است که «بقدر کافی اثبات کننده وقوع معامله نیست». گزارش اینطور استدلال کرده است که آندلمن به این امر توجه نکرده است که دومارائز، بدین خاطر که کسری برای خود می دانسته، بسا نمی خواسته است به او بگوید که اطلاعی از ماجرا ندارد.

● هنوز شهادتهای دیگر هستند که تهیه کنندگان گزارش مورد توجه قرار نداده اند: افسر اطلاعاتی اسرائیل، آری بن مناش و چندین تن از افسران دستگاه اطلاعاتی فرانسه بر وقوع معامله بر سر گروگانها، در اکتبر ۱۹۸۰، در پاریس، شهادت داده اند. بارسلا از شهادت جون مکلین Maclean در باره سفر بوش از شیکاگو به پاریس نیز آگاه بوده است.

مکلین، فرزند نورمن مکلین، نویسنده کتاب A River Runs Through It، از قول یک منبع، که جمهوریخواه و در مقام و موقعیتی بوده است که می توانسته است از رفت و آمدهای ژرژ بوش آگاه باشد، به کمیته گفته است: در اواسط اکتبر ۱۹۸۰، بوش سفر محرمانه ای به پاریس کرده و با ایرانیها، بر سر گروگانها، دیدار کرده است.

عصر هنگام، مکلین اطلاع را به داوید هندرسون، افسر وزارت خارجه امریکا داده است. هندرسون می گوید تاریخ آن ۱۸ اکتبر ۱۹۸۰ بوده است.... شهادت مکلین و هندرسون، در اوائل ۱۹۹۰، زمانی ابراز شد که کمیته تحقیق کار خود را شروع کرده بود. هندرسون دیدار را در نامه ای به تاریخ ۱۹۹۱، به سناتور امریکائی، اطلاع داد. سناتور نیز نامه را به من داد. آن زمان، من در PBS Fronline کار می کردم. در نامه، هندرسون اطلاع می داد که سفر بوش به پاریس به او داده شد اما نام گزارش کننده را نبرده بود. یکی از کارکنان نام گزارشگر را یافت. او مکلین بود و تصدیق کرد که در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۰، از یک جمهوریخواه خبر سفر محرمانه بوش به پاریس را در یافت کرده است. با توجه به وجود سندها، حاکی از تماس جمهوریخواه ها با ایرانیان در ۱۹۸۰، کمیته تحقیق از توجه به آنها در تهیه گزارش خود، امتناع ورزید. به جای آن، دلیل تراشید بر این که بوش و کیسی، در آن تاریخ، به پاریس نرفته بودند. و نیک می دانست که دلایلی بس سست بنیادند.

در باره کیسی، این دلیل ساخته شد که مشاور ریگان در امور خارجی، ریچارد آلن، شماره تلفن خانه کیسی را یادداشت کرده است. این امر دلیلی مسلم بر حضور کیسی در خانه خود، شمرده شده است. حال این که آلن به یاد نمی آورد به کیسی تلفن کرده باشد و تلفنی نیز ثبت نشده است. دلیل های دیگر در باره کیسی و بوش به همین اندازه بی پایه هستند.

**\* بازی بارسلا:**

ادعای بارسلا مبنی بر این که از هامیلتون تقاضای تمدید مدت تحقیق را کرده است تا که مدارک جدید مورد رسیدگی قرارگیرند، گویای بازی دو گانه او است. او می دانسته است تحقیقی که تهیه کرده است، سست پایه است و رو شدن سندها آن را از اعتبار می اندازد. از این رو، در همان حال که بنا داشته است گزارشی مطلوب جمهوریخواه ها تهیه کند، می خواسته است راه گریزی نیز بسازد.

با توجه به این امر که دو قول بارسلا و هامیلتون در باره تقاضای تمدید مدت، با یکدیگر نمی خوانند و بظاهر هر دو موافقتند که گزارش روسیه را بارسلا به هامیلتون ارائه نکرده است، گویای این امر است که بارسلا بسا تصمیم داشته است، خود، به دلایلی که داشته است، می خواسته است، تحقیق در باره «اکتبر سورپرایز» را به این نتیجه برساند که «سندی حاکی از وقوع آن یافت نشد.»

عصبانیت او از اینکه بار دیگر به «اکتبر سورپرایز» باز پرداخته می شود، نیز بدین خاطر است که او نمی خواسته است تحقیق حقیقت را آشکار کند. بارسلا همواره بی قرار ریاست بوده است. در ۱۹۹۱، او خود داوطلب سرپرستی گروه تحقیق در باره اکتبر سورپرایز، شد. آن زمان او شهرت یک دادستان درستکار و دقیق را داشت. زیرا در ۱۹۸۰، عضو عملیاتی و شرور سیا، ادوین ویلسون را دستگیر کرده بود. او متهم بود که به لیبی مواد منفجره و ادوات نظامی دیگر فروخته بود.

حال آنکه، آن زمان و این زمان، او جانب دوست خود، مایکل لودین، محافظه کار جدیدی را گرفته بود که در ماجرای ایران گیت نقش کلیدی داشت. برای مثال، گزارش نخستین کمیته تحقیق، اسامی مایکل لودین و یک محافظه کار مشهور دیگر، ریچارد پرل بعنوان کسانی که در جلسه های گروه اکتبر سورپرایز ستاد تبلیغاتی ریگان قید شده بودند. حال آنکه این دو عضو شمرده نمی شدند. کار گروه این بود که هرگاه کارتر در ماه اکتبر، با ایران توافقی انجام داد و گروگانها را آزاد کرد، اثر آن را بر گزینش رأی دهندگان خنثی کند. اما در گزارش نهائی، نام لودین حذف شد. حال اینکه، بنا بر یادداشتهای ریچارد آلن نیز، لودین در جلسه ها شرکت می کرد. از قرار، لودین از دوست خود بارسلا خواسته بود نام او را حذف کنند. چرا؟ زیرا بعدها کشف شد که لودین در اکتبر سورپرایز نیز نقش داشته است.

رفیق لودین، شکالی، عضو سیا که در اکتبر سورپرایز نقش می داشت، در پرونده ویلسون، از متهمان بشمار بود. به توصیه لودین، بارسلا او را بی تقصیر گرداند. و سرانجام، اعتبار بارسلا، بعنوان قاضی درستکار و دقیق نیز از میان رفت. زیرا در ۲۰۰۳، یک قاضی فدرال پی برد که حکومت امریکا دروغ گفته و در حقیقت، ویلسون، با تجویز سیا، به لیبی مواد نظامی فروخته است.

انقلاب اسلامی: بدین سان، در دموکراسی که امریکائیان را است، معامله ای پنهانی که از عوامل کودتای خرداد ۶۰ در ایران و فرسایش دو کشور ایران و عراق در جنگی ۸ ساله شد و بر امریکا، ریگانسیسم را حاکم کرد، موضوع تحقیق شد اما زد و بند عنصری از دو حزب، با سانسور سندها، سبب شد یک حقوقدان







